



انترناسیونال

۲۹۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۴ اردیبهشت ۱۳۸۸، ۲۴ آوریل ۲۰۰۹

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیبر: محسن ابراهیمی



کنفرانس دوربان ۲ به محل اعلام جرم علیه حکومت اسلامی تبدیل شد!
صفحات 10 و 11



شهلا دانشفر

جنایتی دیگر در معدن باب نیزو جمهوری اسلامی قاتل ۱۸ کارگر در باب نیزو

ساعت ۱۲ ظهر ۳۰ فروردین شاهد جنایت دیگری در معدن باب نیزو واقع در ۳۸ کیلومتری جنوب شرقی زرنند کرمان بودیم. در این روز در اثر انفجار گاز متان در عمق ۲۵۰ تا

صفحه ۳



حمید تقوائی

وزحمتکش را در کام کمپانی های ورشکسته و سرمایه داران مفتخور میلیاردی میریزند و از سوی دیگر توده شهروندان را فرامیخوانند که

صفحه ۲

اول مه روز اعتراض علیه همه تبعیضات و بیحقوقی ها است

پیام حمید تقوائی بمناسبت روز جهانی کارگر

اول مه روز جهانی کارگر را به همه کارگران و مردم آزاده ایران تبریک میگویم.

امسال در شرایطی به استقبال اول مه میرویم که یک بحران عمیق اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک سرپای نظام سرمایه داری را در سراسر جهان فراگرفته است. مقامات و صاحبان و رسانه های جهان سرمایه خود اعتراف میکنند که نظامشان به آخر خط رسیده و راه برون رفتی وجود ندارد. دولتهای سرمایه داری از یکسو هزاران دلاراز پول مالیات دهندگان و ثمره دسترنج کارگران و اکثریت عظیم مردم شریف

برنامه های تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران بمناسبت اول مه روز جهانی کارگر

صفحه ۷

زنده باد کانال جدید!

اعلام کمپین جمع آوری ۳۰۰ هزار دلار کمک مالی جهت تامین ادامه کاری کانال جدید

صفحه ۲

وحشت رژیم از سقوط مصاحبه کانال جدید با حمید تقوائی

صفحه ۹

پیام خلیل کیوان به فعالین و اعضای حزب در سوئیس
بمناسبت برگزاری تظاهرات موفق علیه حضور احمدی نژاد در کنفرانس دوربان ۲

صفحه ۱۱

مغازله دو قطب

و مبارزه قطب سوم

در حاشیه کنفرانس دوربان ۲

ص 4

محسن ابراهیمی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد کانال جدید!

اعلام کمپین جمع آوری ۳۰۰ هزار دلار کمک مالی جهت تأمین ادامه کاری کانال جدید

کارگران، زنان، جوانان، مردم شریف!

کانال جدید، کانال انقلاب، این تریبون بیان حرفهای دل شما و اعلام کیفرخواست و اعتراض شما علیه جمهوری اسلامی و علیه همه نابرابریها، برای ادامه کار خود به کمک فوری شما نیاز دارد. کانال جدید همه ما را به هم نزدیک کرده

است و باید با قدرت و اعتماد به نفس پیش رود و فعالیت آن گسترش یابد. حزب کمونیست کارگری همه شما عزیزان، همه آزادیخواهان و برابری طلبان، همه بینندگان کانال جدید، همه دوستداران و اعضا و کادرهای حزب را فرامیخواند تا بار دیگر با کمک های بیدریغ خود، با سازماندهی جمع آوری کمک مالی

در بین همکاران و آشنایان، تداوم کانال جدید را فراهم کنید. بدینوسیله به اطلاعاتان میرسانیم که از روز دوشنبه ۴ ماه مه ۲۰۰۹، برابر با ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۸، کمپین وسیع و علنی جمع آوری کمک مالی را شروع خواهیم کرد که به مدت ۶ هفته ادامه خواهد داشت. ما امیدواریم در طی این

مدت مبلغ ۳۰۰ هزار دلار از داخل و خارج کشور جهت تأمین هزینه های کانال جدید جمع آوری کنیم. ما اطمینان داریم که شما با کمک های خود بار دیگر تداوم کانال جدید این ابزار مهم سازماندهی اعتراض و مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی، این وسیله متحد کردن توده های میلیونی برای تحقق شریف ترین

آرمانهای بشری را ممکن میگردانید.

زنده باد کانال جدید!

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ آوریل ۲۰۰۹

از صفحه ۱ پیام حمید تقوایی بمناسب روز

برای برافزاندن اقتصاد و چرخ تولید سرمایه داری فعلا و تا اطلاع ثانوی، که هیچکس نمیداند کی فرامیبرد، بیکاری و فقر و بیخانمانی را بجان بخرند.

بحران بیش از هر زمان دیگر واژگونگی نظم ضد انسانی سرمایه را در برابر چشم همگان قرار میدهد. به گفته کارشناسان سازمان ملل با بودجه سالیانه ای معادل یک بیستم یک قلم کمک اولیه هفتصد میلیارد دلاری دولت آمریکا به بانکها و کمپانیهای در حال ورشکستگی میتوان یک میلیارد نفر گرسنگان عالم را از خطر مرگ نجات داد. و با اعتبار هزار میلیارد دلاری اخیر کشورهای گروه بیست به صندوق بین المللی پول میتوان فقر و فلاکت را در دنیا ریشه کن کرد. اگر این کار را نمیکند تنها به این علت است که سود آور نیست. ثروت به اندازه کافی در دنیا وجود دارد. ثروتی که شمره دسترنج همان میلیاردها انسان زیر خط فقر و گرسنه عالم است. اما این ثروت به جیب مفتخوران عالم، بورس

بازان وال استریت و صاحبان کمپانیها و بانکها و شرکتهای بیمه و دولتهای حافظ منافع آنان، و در ایران به جیب گشاد آیت الله های میلیاردی، سرازیر میشود. در آمریکا، ثروتمندترین کشور جهان، نود در صد ثروت جامعه در اختیار یک درصد جمعیت است. یک درصد مفتخوری که حتی در اوج بحران، همان زمان که دولتها با وقاحت تمام از مردم میخواهند بیکاری و فلاکت و بیخانمانی را تحمل کنند، از حقوق و مزایای میلیارد دلاری و جت شخصی و زندگی مافوق تجملی اش نمیگذرد. اقلیت مفتخوری که ارتش و پلیس و زندان و قانون و کل ماشین دولتی را در اختیار دارد تا این نظام وارونه را حفظ کند و خیل عظیم کارشناسان و اقتصاد دانان و جامعه شناسان و رسانه های جمعی اش را بکار میگیرد تا این سیستم دزدی و چپاول آشکار را "علم اقتصاد" و تنها سیستم تولیدی ممکن و مطلوب و ابدی و ازلی جا بزند. این نظام بر محور سود و سودپرستی

میچرخد. از نظر طبقه سرمایه دار و دولتهایشان مردم دنیا تنها وقتی حق زندگی دارند که بتوانند برای سرمایه داران سود تولید کنند. بحران سرمایه داری ماهیت کریه و ضد انسانی نظم سرمایه را، در رونق و در بحران، برملا میکند و در برابر چشم جهانیان قرار میدهد.

این نظام واژگونه را باید زیر و رو کرد و بجای سود و سود آوری باید انسانیت و رفاه و حرمت و منزلت انسانی را محور و هدف تولید اجتماعی قرار داد. و این ممکن نیست مگر طبقه کارگر با حزب و برنامه و آلترناتیو رهانبخش طبقاتی اش، با پرچم سوسیالیسم، پا بمیدان بگذارد، و به نمایندگی از اکثریت عظیم مردم در همه جوامع دنیا طبقه سرمایه دار و دولتش را در عرصه سیاست و مبارزه برای قدرت سیاسی به چالش بکشد. "دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم منجلاهی بیش نیست" و در مقابل این منجلاب، که امروز تعفنش همه جا را برداشته، باید کل جامعه را بزیر پرچم سوسیالیسم بسیج کرد و برای خلع ید سیاسی از طبقه سرمایه دار

بمیدان آورد.

این تقابل میان مردم و طبقه حاکم در ایران قطبی تر و برجسته تر از هر جای دیگر است. در جامعه ما در یکسوی حکومت وحشی و ضد انسانی قرار دارد که جز با سرکوب و اعدام و سنگسار و شکنجه و شلاق و زندان امرش نمیگذرد و در سوی دیگر یک حزب انقلابی سوسیالیستی که اعتراض و مبارزه توده مردم علیه حکومت را نمایندگی میکند و به پیش میبرد. این جبهه ای در صف مقدم مبارزه کارگران و مردم جهان علیه سلطه جهانی سرمایه داری است. آیت الله های میلیاردی بدیل اسلامی میلیاردهای وال استریت اند و حزب کمونیست کارگری نماینده سوسیالیست جهان تمدنی که علیه کل این بساط غارت و چپاول ایستاده است. اگر طبقه حاکمه در ایران برای بقای سلطه خودش به اسلام اعدام و سنگسار و به یکی از وحشی ترین حکومتهای تاریخ معاصر متوسل شده است، مردم با پرچم "سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض" در برابر او قد راست کرده اند. اول مه امسال روز اعتراض کل

جامعه علیه این توحش و علیه همه تبعیضات و بیحقوقیها است. روز جهانی کارگر در ایران باید به روز اعتراض و دادخواست همه دردمندان و ستمدیدگان جامعه و روز بمیدان آمدن توده عظیم مردمی که از جمهوری اسلامی متنفرند، تبدیل شود.

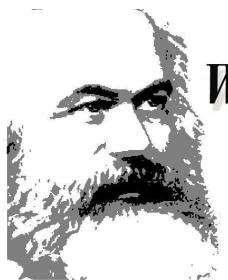
مردم آزاده ایران! در اول مه به خیابانها بیایید، روز جهانی کارگر را در همه شهرها جشن بگیرید و علیه تبعیض و بیحقوقی علیه فقر و استثمار، علیه آپارتاید جنسی و علیه اعدام و سنگسار و علیه تمام مصائبی که حکومت فاسد و جانی جمهوری اسلامی سی سال است به جامعه تحمیل کرده است فریاد اعتراض خود را بلند کنید. بگذار در اول مه امسال مردم ایران نماینده و پیشرو و پیشگام مردم تمدن دنیا علیه منجلاب سرمایه داری باشند!

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۸، ۲۳ آوریل ۲۰۰۹



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

**سوسیالیسم بپا خیز!
برای رفع تبعیض**

از صفحه ۱

جنایتی دیگر در معادن...

۳۰۰ متری معدنکاران زیر آوار ماندند و خبرها حاکی از جانباختن بیش از ۱۸ کارگر است. ۱۸ کارگر، بخاطر سودجویی مشتی سودجو جان خود را از دست داده اند و امروز حتی نامی از آنها هم در دست نیست. اجازه بدهید که قبل از هر چیز جانباختن این عزیزان را به خانواده آنها و به همه کارگران و به کل جامعه تسلیت بگویم.

قاتلین این جنایت معلومند. جمهوری اسلامی و صاحبان سودجوی این معدن قاتلین این کارگرانند. این اولین بار نیست که در معدن باب نیز شاهد چنین جنایتی هستیم. ۲۲ شهریور ماه ۸۴ در انفجار دیگری در همین معدن ۹ کارگر به طرز فجیعی جان باختند و مورد دیگرش سال ۸۷ بود که منجر به جان سپردن دو کارگر در این معدن شد. اما مسیبین این فجایع جانکاه در این چند سال آزاد گشتند و رژیم اسلامی حامی این جنایتکاران پاسخی به کارگران و خانواده های قربانیان این کشتارها نداد. اکنون بار دیگر چنین قتل فجیعی در معدن باب نیز تکرار میگردد.

گزارشات مربوط به انفجار معدن باب نیز در سال ۸۴ و ۸۷ و همچنین اتفاق اخیر، به روشنی ابعاد جنایتی که در این معدن روی می دهند را بر ملا میکنند. در انفجار سال ۸۴ گزارش میشود که در هنگام انفجار، مسئولین معدن هیچیک بر سر پست خود حاضر نبودند و حداقل شش ساعت پس از انفجار بود که تازه شک کردند که شاید اتفاقی افتاده باشد و به سراغ کارگران رفتند و متوجه ماجرا شدند. بدین ترتیب مدتی طول کشید تا کمک رسانی شود. هنگامیکه دیگر کوچکترین شانس برای نجات جان آنان نمانده بود. در آن انفجار حمید رضا دهقان، حسن گریکی، مهدی دهشت، عباس یوسف زاده، سعید مومنی، علی نختاری، مختار هادی مختاری، رضا مومنی نژاد و عباس کاربخش از جمله جانباختگان بودند که یادشان گرامی باد.

در گزارشات انفجار سال ۸۴ و ۸۷ در این معدن، یکی از کارگران از این کارخانه شرایط کار در باب نیز را در گفتگویی با ایلنا، کپی وحشتناکی از کتاب "ژرمینال" امیل زولا تصویر میکند و میگوید:

باب نیزو فاجعه ای بود که با انعکاس گسترده ای در محیطها و مراکز مختلف کارگری روبرو شد. کارگران بر سر این موضوع در دانشگاه و در کارخانجات تجمعات اعتراضی بر پا کردند. به یاد جانباختگان این فاجعه مراسمها گذاشته شد و در این تجمعات کارگران بر مساله تشکل و مبارزه با این شرایط برده وار کار تجدید عهد کردند.

اکنون بدنبال چنین شرایطی از کار جهمی در معدن باب نیزو است که بار دیگر شاهد انفجار در این معدن و رها شدن کارگران در چنگال ناامنی و مرگ هستیم. به گزارشات و اظهار نظرهای مقامات دولتی در رابطه با انفجار اخیر در این معدن نگاهی بیندازیم:

- جواد کمالی، معاون سیاسی - امنیتی استاندار کرمان، روز دوشنبه ۳۱ فروردین علت اصلی کشتار کارگران در باب نیزو را انفجار گاز در مسیر حفاری معدن اعلام داشته و میگوید: "یک روز جلوتر هشدار داده شده بود که در تونل شماره دو گاز وجود دارد، ولی به دلیل بی احتیاطی مهندس، سرپرست و سایرین، این موضوع به کارگران اطلاع داده نشده بود."

- غلامحسین امیری، نماینده مجلس اسلامی رژیم از شهر زرنند در گفتگویی در همین زمینه و در باب حادثه خیز بودن این معدن در چهار سال گذشته میگوید: "از مسئولان امنیتی معدن انتظار میرفته است که به بررسی میزان گاز متان موجود در لایه های ذغال سنگ بپردازند."

- خبرگزاری دولتی، "ایلنا" در رابطه با انفجار اخیر در معدن باب نیزو نوشته است که معدن باب نیزو سالها قبل به علت داشتن بیش از حد گاز متان تعطیل شده بود.

- خبرگزاری رسمی دولتی جمهوری اسلامی، "ایسنا" درباره انفجار زرنند کرمان در گزارشی نوشته است: «طبق استانداردها، در صورت افزایش مقدار گاز، معدن باید تعطیل شود و کارگران از آن خارج شوند، اما این کار به دلایل فعلا نامشخص انجام نشد. این خبرگزاری اشاره کرد: "وظیفه چک کردن مقدار گاز موجود و رعایت این مسئله، برعهده مسئول ایمنی و مدیریت معدن است که در این زمینه، ارگانهای نظارتی نیز باید بر صحت سیستم انجام این کار نظارت کنند." این ارگانهای نظارتی، به

نوشته ایسنا، مجموعه مدیریت معدن باب نیزو، سازمان صنایع و معادن استان کرمان و وزارت کار و امور اجتماعی هستند. این خبرگزاری براساس اطلاعاتی که دریافت کرده، مینویسد: "سیستم ایمنی و نجات قوی در این معدن وجود نداشته و از باقی معادن برای کمک اعزام شده اند که این مسئله در افزایش مقدار جراحات و تلفات تأثیرگذار بوده است."

- دادستان زرنند دستور تعطیلی این واحد معدنی را صادر کرده است و علت تعطیلی این معدن، عدم ایمنی محیط کار اعلام شده است. و بالاخره مدیر عامل معدن "باب نیزو" در زرنند در ۳۱ فروردین بازداشت شد.

معدن باب نیزو، منحصر به فرد نیست. ناامنی محیط کار، تبدیل محیطهای کار به قتلگاه کارگران و به چیزی شبیه اردوگاههای اجباری کار تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، امری است که در سراسر ایران و در تمامی مراکز کاری از ایران خودرو گرفته تا عسلویه و پتروشیمی همه و همه پدیده ای تکان دهنده و جاری است.

داستان زندگی کارگران در باب نیزو همان داستانی است که منصور حکمت در بحثی بر سر ایمنی محیط کار در میز گردی حول قانون کار جمهوری اسلامی در سال ۶۹ یعنی ۲۸ سال پیش دارد. میز گردی با بحث هایی ارزنده که مجموعه مباحث آن در کتاب کار ارزان کارگر خاموش به چاپ رسیده است. منصور حکمت در آنجا بحث زیبایی میکند و میگوید:

"اگر از کسی بپرسند که آن جنایات اصلی که در تاریخ بشر میشود اسم برد کدام است روی این چیزها انگشت میگذارد، دو جنگ جهانی، فاشیسم هیتلری، کوره های آدم سوزی، هیروشیما، جنگ ویتنام، جنگ ایران و عراق و غیره. اینها جنایتهای بزرگی بوده است که همه میشناسند. هم جانیان را میشناسند و هم قربانیانش را. اما یک جنگ اعلام نشده و یک جنایت در حال جریان در متن جامعه سرمایه داری هست که همه اینجا اشاره کردند که قربانیانش از نظر تعداد کمتر از این نمونه های برجسته جنایت در تاریخ نیست. همانقدر آدم روانه گورستان میکند، همانقدر آدم روانه بیمارستان میکند، همانقدر خانه ها را از هم

میپاشد، همانقدر شادی ها را به غصه و غم تبدیل میکند که هر کدام از این دوره های ننگ آور در تاریخ بشر. اما فرقی در این است که در این مورد قاتلین و جانیان دارند کنار قربانیان خودشان قدم میزنند و کسی نمیتواند نشانشان بدهد و بگوید مسئول مرگ آن هزاران نفر این کسی که اینجا دارا راه میرود یا این نهاد است و این موجودی است که تازه خودش را هم از بقیه جامعه معتبرتر و بالاتر میداند. قربانیان این جنایت خیلی معلوم و مشخص اند. این جنایت قربانیانی طبقاتی دارد. اینطور نیست که بمبی روی محله ای افتاده و عده ای جانشان را از دست داده اند. این جنگی است علیه بخش مشخصی از جامعه. علیه طبقه کارگر. من فکر میکنم آن چیزی که کارگر در بحث ایمنی محیط کار باید متوجه آن باشد در درجه اول کل این مساله در همین ابعاد آن است."

این گفته منصور حکمت برآستی همانطور که اشاره کردم، بیان دقیقی است از آنچه که در معدن باب نیزو و امروز در محیط های کار در ایران شاهدش هستیم. در ایران خودرو و عسلویه، در پتروشیمی ها و در کارخانجات دیگر و به وسعت دنیا در معادن چین و آفریقا شاهدش هستیم. باید علیه این شرایط برده وار به مبارزه پرداخت. باید به توحش سرمایه داری خاتمه داد.

اکنون در معدن باب نیزو خانواده های جانباختگان انفجار اخیر به این قتل معترضند. تحت فشار شکایت رسمی این عزیزان، مدیر عامل معدن باب نیزو با صدور حکم دادستانی زرنند، بازداشت و راهی زندان شده و دستور تعطیلی این واحد معدنی صادر شده است. واقعیت اینست که جمهوری اسلامی تحت فشار خانواده ها و گسترش اعتراض علیه ابعاد جنایتی که در معدن باب نیزو روی داده است، در سطحی اجتماعی و گسترده، کارفرمای این معدن را بعد از ۴ سال بازی کردن با جان انسانها، بازداشت کرده و حکم به تعطیل شدن معدن باب نیزو داده است. باید با اعلام همبستگی با خانواده های جانباختگان معدن باب نیزو، از حق آنان برای قرار گرفتن تحت پوشش تأمین اجتماعی و داشتن زندگی ای انسانی دفاع کنیم. کارخانه باب نیزو تعطیل شده است. کارگران این

مغازله دو قطب و مبارزه قطب سوم در حاشیه کنفرانس دوربان ۲

محسن ابراهیمی

کسی که منطق و معادلات و کشمکشها و تقابلهای جهان بعد از پایان جنگ سرد را میشناسد و منتقد آن و معترض به آن است در قبال مسائل تناتری به نام کنفرانس دوربان ۲ علیه نژاد پرستی به تعجب نمی افتد. میشد از پیش فهمید که این کنفرانس تجمعی است برای هر هدفی جز مبارزه با تبعیض و نژاد پرستی. چگونه میتوان کنفرانسی علیه تبعیض و نژاد پرستی گذاشت که اغلب دولتهای شرکت کننده در آن شغل روزمره شان تبعیض علیه انسانهاست؛ که دولتهای حاضر در آن رسماً و عملاً تبعیض سیستماتیک و سازمان یافته علیه انسانها را به بهانه های مختلف جنیست و طبقه و باورهای سیاسی و اجتماعی پیش میبرند! از این بگذریم که تعداد زیادی از شرکت کنندگان این کنفرانس متعلق به سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی بودند که توسط دولت ارتجاعی پاکستان نمایندگی میشدند. صرف حضور جنایتکاری به نام احمدی نژاد، به نمایندگی از حکومتی که به خاطر تبعیض سیستماتیک علیه زنان و معتقدین به ادیان دیگر و همجنسگرایان و کارگران و کودکان و آته نیستها و سکولارها و کمونیستها و به خاطر کشتار جمعی مخالفینش باید مورد محاکمه قرار گیرد، لکه ننگ بزرگی بر پیشانی همه کشورهایی است که در این کنفرانس زیر پرچم ریاکارانه مبارزه با تبعیض گرد هم آمده بودند.

نه خیر، کنفرانس دوربان ۲ اجلاسی بر علیه تبعیض نبود. این کنفرانس محلی برای شاخ و شانه کشیدن و چشمک زدن و معاملات و مماشات و رشوه دادن و رشوه گرفتنهای سیاسی میان نمایندگان و نوچه های سیاسی دو قطبی بود که به مدت زیادی بعد از پایان جنگ سرد در کشمکش بوده اند و در قالب این کنفرانس سازمان ملل تلاش کردند نقطه تعادل و توازن میان خود را تعریف و حدادی کنند.

این کنفرانس یکی از مقاطع و لحظات و قالبهای معاملات کثیفی است که مدهاست میان دو قطب تروریسم جهانی در جریان است تا پای خود را از گل و لای و لجنزارهای سیاسی ای که در سالهای اخیر درست کرده اند با

امتیازات بیشتر. اما نه تنها این اتفاق نیفتاد بلکه به یمن اعتراضات وسیع در خارج و داخل سالن، این نماینده مجبور شد از در پشتی در برود!

موقعیت حکومت اسلامی در میان جنبش خودش یعنی جنبش

نماینده دمکراسی نظم نوین در پاکستان قرار داد خونینی را امضا کرده است و زنجیر طالبان را ول کرده است تا بساط دست بریدن و سنگسار و سربریدن در ملاء عام در دره سوات پهن کند! جمهوری اسلامی دیده است که تجاوز رسمی به زنان در افغانستان به توشیح ملوکانه پرزیدنت کرزای، نورچشمی دیگر دمکراسی نظم نوین در افغانستان رسیده است! البته خود جمهوری اسلامی، کاندید اصلی و



بعدی پرزیدنت اوباما برای مذاکره و مماشات میان دو قطب تروریسم جهانی اعلام شده است. قرار است تروریستهای اسلامی در تهران "مشتهای خود را باز کنند" و دسته گل از کاخ سفید تحویل بگیرند و البته به خیال پوچ هر دو طرف، آمریکا از لجنزاری که در عراق و افغانستان بوجود آورده است پایش را بیرون بکشد و حکومت اسلامی هم بتواند پایش را از باتلاق سیاسی ایران که در آن در حال غرق شدن است بیرون بکشد! با توجه به همه اینها حکومت اسلامی احساس قدرت کرده و با همین احساس قدرت به کنفرانس ژنو رفت تا این وضعیت غرب را مورد استفاده سیاسی قرار دهد.

رفتار هر دو طرف پیش از کنفرانس ترکیبی از ریاکاری و خوش خیالی ابلهانه و البته پر تناقض بود. احمدی نژاد آمده بود یک بار دیگر آنهم در کنفرانسی علیه نژاد پرستی و با هدف دفاع از حقوق انسان مردم اسرائیل را به دریا بریزد و به جهانیان

کمترین تلفات بیرون بکشند و البته به قیمت به خاک سیاه نشانیدن مردم جهان.

اهداف جمهوری اسلامی:

جمهوری اسلامی، شخصیت مضحکش را با آرزوهای زیادی به این کنفرانس فرستاده بود. حکومتی که در مفاک عمیق بحران اقتصادی و مخصوصاً سیاسی اش غرق است؛ حکومتی که در مقابل موج هراسناک اعتراض مردمی جان به لب رسیده به هر خسی آویزان میشود تا لحظه آخر حیاتش را کمی به تاخیر بیاندازد؛ حکومتی که در باتلاق سیاسی درون کشور غوطه ور است؛ حکومتی که هنوز از چشمک زدنهای اوباما سرخوش است و احمقانه احساس قدرت میکند؛ چنین حکومتی در چنین وضعیتی نماینده "شجاع" و احمقش را به این کنفرانس فرستاده بود تا هم بازویی نشان دهد و هم حماقت سیاسی طرف مقابل را سکویی کند برای ابراز وجود قدرتمندتر، برای اخذ

یاد آور شود که اصلاً نسل کشی شش میلیون انسان در کوره ها یک افسانه است و البته با این ادعای تهوع آور دل مردم فلسطین را که برای یک زندگی انسانی فارغ از نژاد پرستی ثانیه شماری میکنند بدست بیاورد و اما ظاهراً با لابی رئیس سازمان ملل در جریان کنفرانس راضی شده بود از افسانه بودن هولاکاست کوتاه بیاید و بگوید که فقط "از مسئله هولاکاست سوء استفاده شده است".

اکنون که غرب دامنش را برای در آغوش گرفتن بخشهای بیشتری از جنبش اسلامی گسترده است و اسلام میانه رو و تعدیل یافته و مقبول و مشروع حتی نزدیکترین محافل ملاعمر و طالبان را هم در بر گرفته است و مردم دره سوات به زیر شمشیر طالبان ول شده اند و مردان افغانستان میتوانند رسماً به همسرانشان تجاوز کنند و احتمالاً تحقیق و تفحص برای یافتن میانه روهای اطرف بن لادن و القانده هم آغاز شده است؛ اکنون که سران خرفت و ریاکار دول غرب در قلب غرب آنهم در کنفرانس حقوق بشر سازمان ملل فرش زیر پای یک جنایتکار پهن کرده اند؛ و در دنیایی که ماهیت ارتجاعی و ضد انسانی جنبش اسلامی اظهر من الشمس است و چهره منفور جنبش اسلامی و جمهوری اسلامی همه گیر شده است؛ و بالاخر اکنون که دول غرب آماده بیشترین امتیاز دهی به رقیبشان در قطب مقابل هستند؛ باید دست به کار شد و به نام مدارا و تسامح و جلوگیری از سوء استفاده از آزادی بیان و رعایت حرمت مسلمین، خفقان اسلامی حاکم در ایران را به جهان بسط داد. باید دست به کار شد به نام حرمت مقدسات مردم دهن مردم جهان را بست و در مقابل انتقاد و اعتراض مردم جهان به مذهب و اسلام سد ایجاد کرد و در یک کلام لبها را دوخت و لمپنیسم اسلامی را در جهان پلانمنازع و یکه تاز کرد! این کنفرانس فرصت طلایی ای در دست این پامال کنندگان آزادی بیان بود که تحت پرچم مدارا و تعامل و احترام به ادیان و پیروان ادیان سکوت در مقابل جنایات اسلام را رسمیت دهند. و به این ترتیب، جمهوری اسلامی با ۱۳ پیشنهاد

از صفحه ۴ مغازه دو قطب ...

برای ارتقای تسامح و تساهل و مدارا" به کنفرانس ژنورفته بود که یکی از مهمترین‌هایش ممنوعیت توهین به مذاهب یعنی در واقع بستن ذهن مردم در مقابل جنایات ارتجاع اسلامی بود!

اهداف آمریکا و دول غرب

در نقطه مقابل، کنفرانس دوربان ۲ برای غرب هم قرار بود همان نقشی را ایفا کند که برای جمهوری اسلامی. این کنفرانس از نقطه نظر غرب تئاتری دیگر برای بازی عشق و نفرتی بود که سه دهه است میان دو جنایتکار در جریان است. اینجا قرار بود فقط بوسه‌های عاشقانه به سوی همدیگر پرتاب شود. چرا که از نظر غرب و مشخصاً آمریکا قرار است در سفره کشمکش دو قطب فعلا و تا اطلاع ثانوی هویج، این بار هویجی شیرین تر قلم اصلی باشد. اصلا بان کی مون قبل از جلسه، دست احمدی نژاد را پیچانده بود و از رئیس حکومت اسلامی قول گرفته بود که تا می‌تواند دندانه‌های خونینیش را پشت لبخندهای مزرورانه اش قایم کند و مبادا از بوسه هایش بوی خون به مشام برسد. به او یاد آوری کرده بود که در این کنفرانس قرار است دو قاتل سیاسی عاشقانه همدیگر را در آغوش بکشند.؛ در این کنفرانس قرار است پرچم سفید هر دو قطب خونین در اهتزاز باشد. و قاعدتا وقتی دو پرچم سفید دو قطب مقابل در عین حال در اهتزاز است کسی تسلیم طرف مقابل نشده است و هر دو طرف پیروز جلوه گر شده اند. و البته دیدیم که چگونه همه این محاسبات خوش خیالی احمقانه ای بیش از آب در نیامد.

در میان دول غرب، با کلی این پا و آن پا کرده‌ها و استخاره های سیاسی، تعداد کمی این کنفرانس را تحریم کردند و تعداد زیادی با کمال ریاکاری و البته خفت پای صحبت رئیس جنایتکار حکومتی نشستند که سه دهه پیش بر سر مردم ایران حاکم کرده بودند. فرانسه گفته بود شرکت میکند اما تصمیم نهایی اش منوط به گفتار و رفتار جناب احمدی نژاد در کنفرانس است! این نشانی از ساده لوحی است یا

راستی چرا دو قطب مدعی اداره جهان به چنین وضعیتی افتاده اند؟ چرا دولت و قطبی که میخواست تنها ابر قدرت بعد از پایان جنگ سرد باشد به چنین وضعیتی افتاده است؟ چرا همین دیروز درست در اوج رجزخوانی جرج بوش، بالاترین سازمان اطلاعاتی کاخ سفید پشت خامنه ای و احمدی نژاد را ماساژ داد؟ چرا یک روز چماق برمی‌کشند و روز دیگر هویج تعارف میکنند؟ چرا حتی در جریان یک اجلاس، در فاصله چند روز چماق غیب میزند و هویج سربلند میکنند و هویج می‌رود و چماق قد برمی افرازد؟ چرا دیروز پریدنت اوباما خدمت خامنه ای سلام میفرستد و امروز هیلاری کلینتون از تحریم شدید اقتصادی صحبت میکنند؟ چرا دولت آمریکا در مقابل حکومتی که در میان کارگران و زنان و جوانان هر روز سکه یک پول میشود این چنین به خفت و خواری می افتد؟

و در مقابل، چرا حکومت اسلامی که برای مدت طولانی همه تخم مرغهایش را در سبد برافراشتن پرچم حکومت اسلامی در وسط واشنگتن ریخته بود و حاضر نبود به هیچ وجه من الوجوه از خر شیطان پایین بیاید یکباره در مقابل شیطان بزرگ عشوه می آید و به امضای رئیس جمهور خیلی ضد شیطان بزرگ، از کابوی هفت تیر کش همان شیطان بزرگ یعنی پرزیدنت بوش دعوت به مناظره میکنند؟ و در جریان همین کنفرانس ژنو، چرا حقه بازی که بازی کردن با رنج مردم فلسطین دستور عمل اصلی هر روزه اش است و در چند سال گذشته دهها بار اسرائیل و مردم اسرائیل را به دریا ریخته است و قرار بود در کنفرانس ژنو هم یکبار دیگر مردم اسرائیل را به دریا بریزد یکباره مجبور میشود متن سخنرانیش را عوض کند و فقط به "سوء استفاده از مسئله هولاکاست" اکتفا کند؟

آیا میتوان همه این تناقضات را به حساب حماقت و ریاکاری سیاسی متقابل گذاشت؟ نه خیر. موضوع عمیقتر از این وجوه اخلاقی است. موضوع اصلا اخلاقی نیست. موضوع سیاسی است. در کنفرانس دوربان ۲ هر دو طرف به دلایل روشنی رفتار متناقضی داشتند و البته با انگیزه ها و دلایل ویژه خودشان.

دولت آمریکا به مثابه یک قطب اصلی تقابل دو قطب تروریستی جهان معاصر است. دول غرب هم با تمام کش و قوسهایشان با آمریکا هنوز جزوی از این قطب هستند که میخواهند در جنگل باقیمانده از فروپاشی بلوک شرق گوشه هر چه بیشتری را به خود اختصاص دهند. ابرقدرت سابق و مدعی بازیابی ابرقدرتی مطلق در آینده و متحدینش با تردید به کنفرانس نزدیک شدند و فرش قرمز زیر پای نماینده قاتل یک حکومت قاتل پهن کردند و دست آخر با وضع رقت باری آن را ترک کردند و کلا در مقابل جمهوری اسلامی سرگیجه از خود نشان دادند چون نه جمهوری اسلامی مطلوبشان است و نه میتوانند از آن دست بشویند. چون هم میخواهند جمهوری اسلامی را که نقش ضدانقلابیش در مقابل انقلاب ایران را به خوبی ایفا کرده است با حکومت متعارف بورژوازی جایگزین کنند و هم از انقلاب در چشم انداز و جنبش چپ و کمونیستی پر قدرت در ایران هراسانند. هم میخواهند سر به تن فشردن دستان دراز همین جمهوری اسلامی در عراق احتیاج دارند. رفتار متناقض دولت آمریکا و دول غرب در کنفرانس دوربان ۲ انعکاس مستقیمی از همین موقعیت متناقض آمریکا در قبال جمهوری اسلامی و قطب مقابل است.

روشن است که کنفرانس دوربان ۲ کنفرانس علیه تبعیض نبود. دولت‌هایی که یک ذره به حقوق انسان احترام قائل باشند نمیتوانند پای کنفرانسی امضا بگذارند که یکی از شرکت کنندگان اصلی اش رئیس جمهور حکومتی است که مسئول قتل عام بیش از صد هزار زندانی سیاسی است، مسئول تباهی زندگی یک نسل چند ده میلیونی جوان است، مسئول تحقیر و آزار و اذیت رسمی و سازمان یافته نیمی از جمعیت یک جامعه هفتاد میلیونی یعنی زنان است، یکی از سرکردگان اصلی قتل و کشتار اسلامی در اقصی نقاط جهان است. کنفرانس دوربان ۲ از نقطه نظر غرب کنفرانس برای افزودن بر تعداد اعضای باشگاه جدید اسلامیون معتدل و میانه رو و سر براه و اینجا مشخصا اضافه کردن جمهوری اسلامی بود که بنا بر

استراتژی جدید آمریکا و متحدینش در دستور است. این کار نگرش و سران غرب را به سرگیجه و تناقض انداخت.

رفتار متناقض حکومت اسلامی هم از یک طرف محصول اوضاع بحرانی اقتصادی و سیاسی اش در ایران است که تصور میکنند با نزدیکی به شیطان بزرگ میتوانند دردی از دردهای بیدرمان اقتصادی اش را التیام دهد و از طرف دیگر میدانند که با نزدیکی به غرب و مشخصاً آمریکا دارد یکی از ارکان ایدئولوژیک و سیاسی اش، یکی از پایه های تبلیغی اصلی اش در میان جنبش اسلامی، یعنی خصومت با "شیطان بزرگ" را از دست میدهد.

قطب سوم

در مقابل هر دو قطب

گذشت آن دوره ای که جهان عرصه بلامنازع انکشاف عشق و نفرت دو قطب تروریستی بود. قطب سوم آنهم با قدرت پا وسط گذاشته است و میدان را برای چماق کشی و هویج خوری متناوب دو قطب تنگ کرده است. قطب سوم، هم جایی که دو قطب تروریستی شاخشان تو هم می‌رود و از مردم قربانی میگیرند و هم جایی که این دو قطب در آغوش هم جای میگیرند ظاهر میشود و زندگی را برای هر دو طرف تلخ میکند! آخرین نمونه اش همین کنفرانس به اصطلاح ضد نژاد پرستی دوربان ۲ بود که با حضور جنبش واقعی ضد ریح.

از بد روزگار، یکی از مدعوین اصلی این کنفرانس حکومت اسلامی بود که در راس یکی از دو قطب تروریستی جهانی قرار دارد. و در مقابل جمهوری اسلامی نیرویی برابری طلب و آزادیخواه صف کشیده است که توسط حزب کمونیست کارگری نمایندگی میشود. حزبی رادیکال و روشن بین و مدرن و سکولار و منسجم و سازمان یافته و با برنامه و محبوب و فعال و موثر در ایران و خارج از ایران. حزبی که نه تنها نگذاشت حکومت اسلامی از طریق کنفرانس دوربان ۲ خستی بر

معادن باب نیزوی کرمان بار دیگر قربانی گرفت!

بنا به خبری که اخیراً منتشر شده است، روز ۳۰ فروردین ماه امسال حداقل ۱۴ تن از کارگران معادن مشغول بکار در معادن باب نیزوی کرمان در یک انفجار گاز جمع شده متان جان خود را از دست دادند. یکی از رسانه های نزدیک به رژیم تعداد قربانیان را حداقل ۱۸ نفر گزارش کرده است. بر اثر انفجار در همین معادن در سال گذشته ۲ نفر و در سال ۱۳۸۴ نیز ۹ نفر جان خود را از دست دادند. بدنبال انفجار سال ۸۴، حکم تعطیلی این معادن صادر شده بود، اما از آنجا که این معادن در مالکیت افراد بانفوذ استان کرمان است با زد و بند با مقامات محلی، بعد از یک تعطیلی کوتاه و بدون رسیدگی به شرایط ایمنی آن، مجدداً بازگشائی شد. دولت برای مقابله با اعتراض

مردم، حکم بازداشت مدیر عامل این معادن را صادر و معادن را فعلاً تعطیل کرده و کلیه کارگران آن بیکار شده اند.

فاجعه ای که بار دیگر در این معادن صورت گرفت، بار دیگر عمق محرومیت و بی حقوقی طبقه کارگر و عمق گنبدگی و وارونگی نظام سرمایه داری و حکومت جنایتکار اسلامی سرمایه داران را عیان ساخت. شرایط ناامن کار در معادن باب نیزو نه تنها کیفیت خواستی علیه کارفرمای این کارخانه بلکه همچنین کیفیت خواستی مستقیم و بی ابهام علیه جمهوری اسلامی است. صرف نظر از عدم رسیدگی به ناامنی در این معادن و فعالیت مجدد آن در چهار سال گذشته که بدون بند و بست و رشوه دهی به مقامات صورت نگرفته است،

اما فقر و بیکاری چند میلیونی و نداشتن بیمه بیکاری و بی تأمین، و از طرف دیگر سرکوب اعتراض کارگران به این وضعیت، آنها را به کار در چنین قتلگاه هائی سوق میدهد و مسئول این وضعیت نیز مستقیماً جمهوری اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری صاحبان این معادن و جمهوری اسلامی را مسبب آشکار این جنایت میداند و آنها را شدیداً محکوم میکند. حزب خواهان:

- تأمین استانداردهای امروزی برای کار در معادن زیر نظر نمایندگان مستقیم کارگران است. معادنی که پائین تر از استانداردهای امروزی هستند باید تعطیل شوند. - تمام کارگران بیکار شده

این معادن و از جمله معادن باب نیزو تحت پوشش بیمه بیکاری مکفی، تا زمانی که کار مناسب دیگری برای آنها تأمین شود، قرار بگیرند.

- به خانواده های جانباًختگان معادن باب نیزو باید غرامت کامل پرداخت شود. باید این خانواده ها شامل بیمه و مزایائی بشوند که بعد از مرگ نان آور خانواده شان، مجبور به تقلا برای زنده ماندن نباشند.

حزب کمونیست کارگری به بازماندگان و همکاران کارگران جانباًخته معادن باب نیزو صمیمانه تسلیت می گوید و خود را در غم از دست رفتن این عزیزان شریک می داند.

حزب کارگران معادن باب نیزو را به تشکیل مجمع عمومی و تصمیم گیری در مورد سرنوشت این معادن و پیگیری مطالبات بحق خود فرا می خواند. حزب کارگران باب نیزو را فرامیخواند که کمیته ای برای

پیگیری علت بازگشائی مجدد معادن بدون اقدامات ایمنی و زد و بندهای پشت پرده آن ایجاد کنند و کلیه کارگران و خانواده های آنها و افکار عمومی را از نتیجه کار خود مطلع کنند. حزب از همسران و سایر اعضای خانواده کارگران میخواهد در تجمعات و اعتراضات کارگران معادن فعالانه شرکت کنند. حزب مردم آزادیخواه و زحمتکش در کرمان را به حمایت از مبارزه کارگران فرامیخواند و آنها را تحکیم اتحاد و همبستگی خود برای مقابله با این شرایط فرامیخواند.

زنده باد مجمع عمومی کارگران آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ اردیبهشت ۱۳۸۸، ۲۱ آوریل ۲۰۰۹

تلویزیون کانال جدید

Hotbird 8

Frequency 12303 Mhz

FEC 3/4

polarization Vertical

www.newchannel.tv

New Channel TV

از صفحه ۳ جنایتی دیگر در معادن ...

کارخانه باید فوراً تحت پوشش بیمه بیکاری مکفی قرار گیرند. یعنی همانطور که کارگران در ایران با طومار اعتراضی برای خواست افزایش حداقل دستمزدهایشان جلو آمده اند، حداقل یک میلیون مستمری ماهانه برای این کارگران تأمین شود. باید کارگرانی که در این اتفاق ناگوار مجروح شده اند، باید تحت بالاترین استانداردهای درمانی، درمان شوند. و خلاصه کلام اینکه این سران رژیم هستند که باید بخاطر این جنایات هر روزه شان

مورد محاکمه و پیگرد قرار گیرند.

از سوی دیگر همانطور که اشاره کردم، در شرایطی که عدم ایمنی کار بیداد میکند و هر لحظه از کارگران قربانی میگیرد و زندگی و سلامت آنان را به خطر می اندازد، اقداماتی فوری در دستور کارگران معترض و کمونیست قرار میگیرد. هر لحظه تاخیر در اعتراض به این شرایط برده وار بار کار به معنی مرگ یک کارگر دیگر و نقض عضو و به خطر افتادن

کارگری در کارخانه ای دیگر است. این وظیفه کارگران کمونیست و رهبران کارگری است که پیشتاز مبارزه علیه این وضعیت و جنایات آشکار کارفرمایان در محیطهای کار باشند. باید فوراً مجامع عمومی را فراخواند. باید کارگران هیاتی را از میان خود انتخاب کنند و وظیفه این هیات بررسی تمامی مواردی باشد که جان کارگر را به خطر می اندازد. هیاتهایی که کارشان ثبت تمامی مواردی است که سلامت کارگر را به خطر می اندازد و تبدیل آن به موضوع اعتراض کارگران است. به این معنی که کارگران باید رفع

تمامی مواردی که از سوی نمایندگان آنها بعنوان موارد نقض ایمنی محیط کار ثبت شده است را در دستور فوری کارفرمایان و دولت بگذارند و بگویند تا این خطرات را برطرف نکنند بر سر کار حاضر نخواهند شد.

باید تمامی مواردی که ایمنی محیط کار کارگران را به خطر می اندازد، به همراه طومارهای اعتراضی به عنوان نقض ابتدائی ترین حقوق انسانی کارگران به سازمانها و مراکز جهانی گزارش شود و خواهان اعزام هیاتهای بازرسی ویژه به تمامی مراکزی شد که در آنها استانداردهای اولیه ایمنی محیط کار نقض شده

است. باید خواهان این شویم که تمامی مواد سمی و خطرناکی که بکارگیری آنها در تولید جان کارگر را به خطر می اندازد و در کشورهای پیشرفته جهانی استفاده از آنها ممنوع اعلام شده است، فوراً متوقف گردد. باید خواهان این شویم که با توجه به رشد تکنیک و پیشرفتهای امروز بشری بالاترین استانداردهای ایمنی کار در محیط های کار برقرار گردد و باید در مقابل این کشتار آشکار کارگران و تباهی هر روز جسم و جان آنان بایستیم.*

برنامه های تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران بمناسبت اول مه روز جهانی کارگر

ماه مه روز اعلام کیفر خواست کارگران و زحمتشکان جهان علیه نظام سرمایه داری است. روز اعلام اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران و هممه ستمدیدگان برای پایان دادن به این نظام نابرابر است.

جهان غرق ثروت است. رشد خیره کننده تکنولوژی و افزایش شگفت آور قدرت تولید امکان یک زندگی مرفه برای همه را در یک نظام انسانی و برابر فراهم کرده است. علیرغم این، سهم اکثریت عظیم مردم جهان فقر و

مسکنت، فحشا و اعتیاد، گرسنگی و ناامنی است. در عوض اقلیتی زندگی افسانه ای پیا کرده اند و غرق رفاه و عیش و نوش اند. این نظام وارونه است. باید زیر و رو شود! سردمداران این نظام نابرابر

میخواهند سرمایه داری بحران زده را با تحمیل فقر و خانه خرابی بیشتر به کارگران و زحمتکششان نجات دهند. اما، راه حل دیگری نیز هست. راه حل کارگران و مردم خلق ید از سرمایه داران و بدست گرفتن سرنوشت بدست

خود است. پاسخ در هم شکستن نظم سرمایه و پی افکنن نظم سوسیالیستی است. نظامی که تولید را در خدمت نیازهای همگانی بکار گیرد و تعاون و همکاری را بجای استثمار و رقابت بنشاند.

اول ما با ما همراه شوید و در برنامه های اول مه شرکت کنید!

آلمان - برمن

سخنرانی: جنبش کارگری و مبارزات کارگران در ایران سخنرانان:

مهدی عدالت فام سیامک مکی
اعضای کمیته آلمان
حزب کمونیست کارگری ایران
پنجشنبه ۳۰ آوریل ۲۰۰۹
ساعت ۱۸ کلوب انترناسیونال
Bremen Weberstr. 18

در پایان برنامه جشن همراه با موزیک، شام و نوشیدنی ادامه دارد

شرکت در راهپیمایی مرکزی روز جمعه اول ماه مه ۲۰۰۹
محل تجمع Osterdeich
ساعت ۱۰ صبح
میز اطلاع رسانی در دو مکان در مرکز شهر

و
**Marktplatz
Bucht Str.**
تلفن تماس ۰۱۷۲۴۰۳۷۰۳۵

آلمان - فرانکفورت

میز اطلاعاتی رسانی از یک ماه پیش هر جمعه در دانشگاه فرانکفورت

شرکت در راهپیمایی مرکزی برپایی میز کتاب در محل تجمع آغاز راهپیمایی میز کتاب و چادر اطلاعاتی در محل پایانی تجمعات اول مه
تلفن تماس ۰۱۷۲۹۷۱۶۲۲۷

آلمان - کاسل

انگلیس - لندن

شرکت در راهپیمایی اول مه برپایی میز کتاب در محل تجمع مرکزی تظاهرات اول مه روبروی ساختمان
از ساعت ۱۱ به بعد DGB
تلفن تماس ۰۱۷۶۶۲۵۲۱۷۴۱

آلمان - برلین

شرکت در راهپیمایی مرکزی اول مه در برلین و برپایی میز کتاب
تلفن تماس ۰۱۷۶۶۲۴۸۶۶۳۱۷

آلمان - هامبورگ

شرکت در مراسم و تجمع مرکزی اول مه و برگزاری میز کتاب از ساعت ۱۱ صبح
**Gewrkschaftshaus
a
Besenbinderhof
(jeloye DGB)**
تلفن تماس ۰۱۷۸۳۳۷۹۸۰۸

آلمان - هانوفر

میز کتاب در محل تجمع مرکزی اول مه در
Am Klagesmarkt
تلفن تماس ۰۱۷۷۸۳۴۸۵۹۲

آلمان - کلن

برگزاری میز اطلاع رسانی در محل تجمع مرکزی اول مه در
**H e u m a r k t-
Altstadt**
از ساعت ۱۰ صبح
تلفن تماس ۰۱۶۳۶۸۰۹۹۷۲

لندن اول مه

تجمع از ساعت ۱۱ صبح در
**Clerkenwell
Green, ECI**
راهپیمایی بسمت میدان ترافالگار

انگلیس - منچستر

دوشنبه ۴ مه تجمع از ۱۱ صبح در
**AllSaints Park,
Oxford Road**
برای اطلاعات بیشتر لطفا با شماره تلفن های زیر تماس بگیرید:

تلفن های تماس
۰۷۸۳۸۱۵۶۸۱۹
۰۷۹۵۶۹۲۴۴۳۴

یونان - آتن

شرکت در تظاهرات و مارش اول مه
میدان ساعت ۱۰ و نیم صبح
تلفن تماس: ۶۹۵۸۲۱۱۰۶۰

نروژ - اسلو

شرکت در تظاهرات اول مه و برگزاری غرفه اطلاع رسانی و نمایشگاه عکس
Yungstorget

آمریکا - دالاس

بیک نیک مکان:
**Russell creek
park _ plano**
زمان: از ساعت دو بعد از ظهر یکشنبه سوم مه ۲۰۰۹
تلفن تماس: ۲۱۴۶۷۵۲۱۲۰

ایمیل:

svafa56@yahoo.com

کانادا - تورنتو

جشن اول مه
شنبه، ۲ مه ۲۰۰۹ ساعت ۷:۳۰ بعد از ظهر

تورنتو، ۵۱۱۰ خیابان یانگ، نورت یورک سیویک سنتر
North York Memorial Community Hall, Concourse Level

نزدیکترین ایستگاه قطار به محل مراسم: ایستگاه نورت یورک سنتر
* سخنرانی * پیامهای همبستگی * موزیک سخنرانان: حمید تقوائی
لیدر حزب کمونیست کارگری سمیر نوری عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - چپ عراق

شرکت در تظاهرات اول مه از ساعت ۱۳

سوئیس - زوریخ

شرکت در تجمع و مارش
zurich central
تلفن تماس ۰۰۴۶۷۳۳۴۹۸۹۸۳:

سوئد - گوتنبرگ

از ساعت ۱۰ صبح اول ماه مه در میدان یرن توریت چادر اطلاع رسانی بر پا خواهد شد شرکت در تظاهرات اول مه
تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۳۳۴۹۸۹۸۳

سوئد - استکهلم

شرکت در تجمع و راه پیمایی اول مه در میدان مدبوریارپلاتسن، تجمع از ساعت ۱۲ و شروع راهپیمایی ساعت ۱۳
پخش اطلاعاتی ها و نشریات حزب در سطح وسیع در تجمعات اول مه
برپایی میز اطلاع رسانی و نمایشگاه عکس از مبارزات کارگران ایران در میدان **kungsträdsgården**

از ساعت ۱۱ جشن اول مه در "یاتوق" در **Medborgarhuset**

از ساعت ۱۹
تلفن تماس: ۰۷۰۳۰۱۰۲۷۹

سوئد - بریس

میز اطلاع رسانی و همچنین شرکت در تظاهرات شرکت اول مه

استرالیا - سیدنی

مکان گرد همایی: قسمت شمالی هایید پارک
زمان راه پیمایی: روز یکشنبه سوم ماه مه ساعت گرد همایی: ۱۲ ظهر
تلفن تماس ۰۴۱۱۵۵۳۱۵۲

این آفیش

تکمیل میشود.

برنامه های دیگری

نیز اعلام میشود.*

اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

کانال جدید به کمک مالی شما نیاز عاجل دارد

لیست بیست و دوم: ۲۳ آوریل ۲۰۰۹

از همه دوستان عزیز که در روزهای اخیر به کمک کانال جدید شتافته اند صمیمانه قدردانی میکنیم و همه مردم آزاده را به پیوستن به صف حامیان کانال جدید فرامیخوانیم.

تلفن و آدرس تماس برای کمک مالی:
از ایران:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸
Shahla_daneshfar@yahoo.com

تلفن تماس در اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
حسن صالحی: ۰۰۴۶۷۰۳۱۷۱۱۰۲

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

شماره حساب سوئد:

Sweden

Post Giro: 639 60 60-3

account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

شماره حساب آلمان:

Germany
Rosa Mai

583657502 Konto. Nr.:

Bankleitzahl: 37010050

Post Bank

شماره حساب کانادا:

Canada
ICRC

Scotiabank

Dixie Rd, Mississauga 4900

L4W 2R1

Account #: 84392 00269 13

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 4779 81

BIC: NWBK GB 2L

لیست کمک های مالی هفته اخیر
به تلویزیون کانال جدید:

۱۰۰۰ دلار	ارسلان ناظری
۱۰۰۰ دلار	حسین آربین
۱۰۰۰ دلار	فروغ ارغوان
۵۰۰ دلار	هادی وقفی
۴۰۰ دلار	مسعود آذرنوش
۲۰۰ دلار	اقبال نظرگاهی
۱۵۰ دلار	بهرام کلاه زری
۵۰ دلار	داریوش رهایی
۵۰ دلار	محید سیاسی
۲۵ دلار	فریدون فرهی
۵۰ یورو	محمود قانندی
۷۵ یورو	یدی کوهی
۶۰ یورو	دوستی از هامبورگ
۵۰ یورو	سیامک مکی
۵۰ یورو	مهین کوشا
۵۰ یورو	شهناز مرتب
۵۰ یورو	شهلا رازدار
۵۰ یورو	حمید رحیم پور
۵۰ یورو	منوچهر ژندی فر
۵۰ یورو	پرویز ف
۵۰ یورو	عبدل کلپریان
۵۰ یورو	پیام آذر
۵۰ یورو	رویا بحرینی
۲۰ یورو	الیزابت
۱۵ یورو	ساسان
۱۰ یورو	فریده
۱۰ یورو	آرزو
۱۰ یورو	رامین تقی پور
۵ یورو	سعید اصلی
۲۰ یورو	Jan Chomin
۲۰ یورو	Marie Noelle
۱۵ یورو	Felix Heutefaux
۲۰ یورو	Dominiqu Mldubreui
۷۰۰۰ کرون	مهین علیپور
۱۲۰۰ کرون	علی نعمتی
۱۰۰۰ کرون	حسن پناهی
۶۰۰ کرون	ناصر احمدی
۱۰۰ کرون	پریسا پناهی
۵۰ کرون	مهسا بخشایش
	از ایران:
۱۰۰۰ کرون	غنچه
۱۲۰ یورو	حوزه رهایی

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلائی بدل میشود!

وحشت رژیم از سقوط مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی

ناصر اصغری: اخیراً غلامحسین الهام، سخنگوی دولت و وزیر دادگستری، گفته است که دولت با طیف گسترده ای از مخالفان سازمانیافته روبرو است و اینکه فضای رسانه ای در هیچ دوره ای با این شدت بر علیه دولت وجود نداشته است. غلامحسین الهام این فضا را با فضای سالهای پنجاه و هشت و پنجاه و نه مقایسه کرده و گفته است "گروه های معاند" در همان زمان هم خط امام را زیر فشار قرار می دادند. ایشان میگویند فضا بشدت بحرانی است. سؤال من اینست که با توجه به وضعیت جامعه، سخنان او را چگونه باید تفسیر کرد؟ آیا گفته های الهام فقط به اختلافات خودشان مربوط است یا به وضعیت جامعه هم مربوط میشود؟

حمید تقوایی: بنظر من، اختلافات درون رژیم خود انعکاسی از وضعیتی است که در جامعه وجود دارد. اینها دعوای خصوصی با همديگر ندارند و اگر اختلاف و دعوایی با هم دارند (که البته بسیار وسیع هم هست)، همه بر سر این است که چطور مردم را کنترل کنند. چطور از نظامشان دفاع و یا چگونه از خط امامشان دفاع کنند. همانطور که جناب الهام میگوید این خط امام از همان سال پنجاه و هشت تا امروز، همواره از سوی مردم تحت فشار بوده است. اینکه گروه ها و رسانه های مورد اشاره ایشان (که یکی از مهم ترین آنها کانال جدید است)، امروز در میان مردم محبوب و شناخته شده اند و مردم به این رسانه ها روی می آورند به این معنا نیست که مسئله جمهوری اسلامی هم همین امروز شروع شده است. مسئله و بهتر است بگویم بحران این حکومت، اساساً از زمانیکه روی کار آمد و به اسم انقلاب، بروی انقلاب مردم شمشیر کشید شروع شد و از همان زمان هم مردم مداوماً در سطوح و عرصه های مختلف علیه حکومت اسلامی در حال اعتراض و مبارزه بوده اند. امروز، این بحران ابعاد بسیار وسیع و عمیقی بخود گرفته

که دست مردم را در دست همديگر می گذارد و نیروی آنها را بسیج می کند برای اینکه ضربه نهایی را به این نظام و حکومت وارد آورند. بنظر من، اساس قضیه در همینجا نهفته است و اظهارات الهام و سایر سران حکومتی در واقع، اعتراف به ضعف خود و قدرت حزب و مردم است.

ناصر اصغری: به نکته خوبی اشاره کردید. اینکه اینها می خواهند تمام مشکلات، دزدیها و جنایت ها را به گردن احمدی نژاد بینانند. در همین رابطه اجازه بدهید به سخنان میر حسین موسوی، رقیب انتخاباتی احمدی نژاد، هم بپردازیم. می گویند احتمال اینکه او بعنوان رئیس جمهور آینده انتخاب شود، بسیار زیاد است. در هر حال اخیراً جناب میر حسن موسوی در گفتگو با سایت های حکومتی به موضوعات جالبی اشاره کرده است. ایشان گفته است که من وجود خیزشی را در جامعه احساس می کنم! گفته است در ایلام و خوزستان با این مسئله برخورد کردم که جامعه آماده ایجاد يك موج است. ایشان در واقع، دارد به اعتراضاتی اشاره می کند که کارگران هنگام بازديدش از خوزستان در برابر ستاد انتخاباتی اش برآه انداختند. کارگرانی که فریاد زدند ما برای مظلوم نمایی نیامده ایم! گفتند همه شما حکومتی ها از يك قماش هستید و ما حق و زندگی خودمان را می خواهیم. نظر شما در اینمورد چیست؟

حمید تقوایی: بله، این در واقع، يك نمونه بسیار گویایی است و از دو جنبه قابل تامل است. اول اینکه همانطور که اشاره کردم مقامات در دعوای انتخاباتی تلاش می کنند که بگویند هر چه هست، زیر سر دولت و کابینه احمدی نژاد است، و در اینجا جناب میرحسن موسوی در واقع میگوید احمدی نژاد موجب خیزش مردم شده و وقتی برود همه چیز درست می شود. بخاطر دارید در انتخاباتهای قبلی کاندیداها بالاخره شعاری مطرح میکردند. مثلاً رفسنجانی شعار سازندگی

میداد و یا خاتمی با پرچم اصلاحات و گشایش سیاسی و غیره، به میدان آمده بود اما اینبار می بینید کسی برنامه و شعار اثباتی ندارد. در عوض همه علیه احمدی نژاد حرف می زنند چرا که می دانند مردم در کمین نشسته اند و مترصد فرصت اند تا نظامشان را روی سرشان خراب کنند و خوب، موسوی هم دارد همین را می گوید. می گوید يك موج جدیدی در حال شکل گرفتن است! و در واقع دارد به کل نظام اسلامی هشدار میدهد که باید کاری کرد.

جنبه دیگر این اتفاق عمق و شدت اعتراضی است که کارگران در "استقبال" از میرحسین موسوی به نمایش گذاشته اند. مدتهاست که مبارزات کارگری در جامعه به این شکل درآمد است و این مورد اخیر يك نمونه کاملاً برجسته است. کارگران در مقابل ستاد انتخاباتی جناب رئیس جمهور آینده تجمع میکنند و اعلام می کنند که همه شما از يك قماش هستید. می گویند ما نیامده ایم از شما بخواهیم که به ما رحم کنید. ما آمده ایم اینرا اعلام کنیم که هیچکدامتان را قبول نداریم و حق ما را می خواهیم. این، دقیقاً به این معناست که حالت اعتراضی در جنبش کارگری و در کل جامعه بشدت وسیع و گسترده شده است. درست است که کارگر - بطور مشخص - دارد بر سر مطالبات روزمره اش (و مثلاً علیه دستمزدهای عقب افتاده و اخراج و ایمنی شرایط کار و غیره) مبارزه می کند اما، در تمام مبارزات، کارگران بروشنی می دانند که با کل این حکومت طرف هستند و این حکومت باید به تمامی جارو شود تا بتوانند به هر يك از این مطالبات و خواسته هایشان برسند. این، بنظر من، واقعیتی است که بخوبی در همین اظهارات جناب موسوی منعکس شده است. میر حسین موسوی، با این پرچم که احمدی نژاد نباشد، به میدان آمده است و معلوم نیست که اساساً خودش چکاره است! از خود ایشان که در دوره جنگ نخست وزیر بود و از دستاوردهایش قتل و اعدام هزاران زندانی در تابستان ۶۷ است، چه خبری به مردم رسید که امروز برسد؟! اگر قرار است به سابقه اشخاص برگردیم، خواهیم دید که موسوی، رفسنجانی، خاتمی،

احمدی نژاد و غیره، همگی، سگ زرد برادر شغال هستند. همه اینها يك سیاست واحد یعنی سرکوب و غارت هر چه بیشتر مردم را به پیش برده اند و نصیب مردم، هیچ چیزی جز بیحقوقی و فقر و اعمال فشار و تبعیض و بدبختی نبوده است. بر متن چنین شرایطی جامعه دارد آماده می شود تا علیه کل این وضعیت بلند شود. این را، همه اینها بو کشیده اند. همه شان می دانند که کلیت نظامشان در خطر است و اینرا دارند با هزار زبان اعلام می کنند.

در شرایط حاضر این وضعیت انفجار آمیز خودش را در قالب دعوای انتخاباتی نشان می دهد. اما آن بحرانی که زمین را زیر پای اینها داغ کرده است، با این انتخابات شروع نشده است و با این انتخابات هم تمام نمی شود. انقلابی در ایران در حال شکل گیری است که حزب ما همواره از آن سخن گفته، پرچمش را بلند کرده و این چشم انداز را در مقابل جامعه قرار داده که تکلیف این رژیم را فقط با يك انقلاب عظیم اجتماعی می توان یکسره کرد.

مردم دارند خودشان را آماده می کنند که چنین انقلابی را بوجود آورده و این حکومت را به تمامی جارو کنند و بنظر من، این صحبت ها و اظهار نظرها، يك حالت کاملاً قابل پیش بینی و کلاسیک يك دولت در حال سقوط را نشان می دهد. اظهار نظرهایی که هشدار است به خودشان نسبت به موج اعتراضی که در جامعه وجود دارد. اینکه مقامات دارند دست همديگر را رو می کنند و فساد و ارتشا و دزدی های نجومی همديگر را افشا می کنند (تمام این اتفاقاتی که در این چند ماهه اخیر شاهد بوده ایم)، بنظر من، يك به يك دارد نشان می دهد که این رژیم در حال سقوط است و قادر نیست در مقابل این موج عظیم اعتراضات مردم خودش را حفظ کند.

ناصر اصغری: حمید تقوایی، با تشکر از اینکه دعوت ما را برای این مصاحبه پذیرفتید.

حمید تقوایی: من هم متشکرم.*

این مطلب را هادی وقفی
پیاده و تایپ کرده است.

تظاهرات علیه مزدوران رژیم در مالمو ادامه دارد

تظاهرات پوشش خبری گستره ای یافته است



اطلاعیه شماره ۲

از ساعت شش و نیم صبح امروز، پنجشنبه ۲۳ آوریل، تظاهراتی در مقابل فولکت هوس کاترین لوند (خانه مردم) شهر مالمو در اعتراض به حضور مزدوران سفارت جمهوری اسلامی در این شهر، بر پا شد. مزدوران جمهوری اسلامی تحت مراقبت شدید پلیس و از درب پشت ساختمان خود را به محل رساندند. مخالفین جمهوری اسلامی با شعارهای تروریست برو کم شو و فولکت هوس جای جنایتکاران نیست و جمهوری اسلامی باید منزوی و طرد شود، عرصه را بر اوباشان اسلامی تنگ کردند. تظاهر کنندگان شعار میدادند پلیس جنایتکاران را محافظت میکند پلیس شرمت باد!

در این تظاهرات تریبون آزاد برگزار شد و فعالین احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی که در تظاهرات شرکت داشتند سخنرانی های متعددی ایراد کردند. از جمله حسن صالحی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران بزبانهای سوئدی و فارسی سخنرانی کرده است. او در سخنان خود گفت:

جمهوری اسلامی رژیمی است که سه دهه سرکوب، جنایت و فقر و فلاکت برای کارگران و مردم ایران به ارمغان آورده است. سران و عوامل جمهوری اسلامی ایران قاتل دهها هزار نفر از مردم ایران اند. این رژیم اعداد و سنگسار و شکنجه است. مسئول کشتارهای سیاسی و نسل کشی

همه سازمان ها و مراجع بین المللی اخراج شود. کلیه روابط سیاسی، دیپلماتیک و فرهنگی با رژیم جمهوری اسلامی باید قطع گردد. سفارت خانه های این رژیم باید بسته شوند. سران و عوامل جمهوری اسلامی ایران بخاطر جنایاتی که مرتکب شده اند باید دستگیر و محاکمه شوند.

خبرگزاری های متعددی از روزنامه ها و رادیو ها و کانالهای مختلف تلویزیونی سوئد در محل حضور دارند و گزارش تهیه می کنند. مصاحبه های متعددی صورت گرفته است. دپروز نیز روزنامه اسکونسکا داگ بلادت با فریده آرمان و فاضل نادری مصاحبه داشت که امروز چاپ شده است. امروز نیز تلویزیون کانال ۴ و TT مرکز خبری سوئد با فریده آرمان و حسن صالحی گفتگو کردند. تعدادی از رسانه های فارسی زبان در سوئد، از جمله پژواک رادیو سراسری سوئد با فریده آرمان گفتگو داشته اند. بهروز مهرآبادی دبیر کمیته سوئد تشکیلات خارج کشور حزب در گفتگویی با رادیوی فارسی زبان ایران آنلاین در استکهلم گزارشی از تظاهرات را به سمع شنوندگان رسانده است. در بخش اخبار تلویزیون

گسترده در سال های ۶۰ و ۶۱، قتل عام چند هزار نفر از زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ و برپائی گورهای دسته جمعی است. این رژیم آپارتاید جنسی و اعمال خشونت هر روزه علیه زنان است. جمهوری اسلامی حکومتی ضد کارگر است که به دفعات اعتراضات کارگری را به خون کشیده است و رهبران کارگری را دستگیر و شکنجه کرده و به اذیت و آزار آنها پرداخته است. جوانان تحت حاکمیت جمهوری اسلامی از ابتدائی ترین حقوق و آزادیها محرومند و امیال آنها با وحشیانه ترین مجازاتهای اسلامی نظیر شلاق پاسخ داده می شود. آدم ربایی و دهها ترور در خارج از مرزهای ایران در پرونده این رژیم جانی ثبت شده است. ایران تحت سلطه حکومت اسلامی به تمام معنی به یک زندان بزرگ است.

این رژیم و سرانش سرکوبگران مردم اند و باید از همه جا طرد شوند. هیچ دولت و مجمع بین المللی نباید این رژیم را بعنوان نماینده مردم ایران برسمیت بشناسد. این رژیم شایسته همان رفتاری است که مردم آزادیخواه دنیا با رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی کردند.

جمهوری اسلامی ایران باید از

تظاهرات کوبنده علیه حضور احمدی نژاد در ژنو

اطلاعیه شماره ۳

چنانچه انتظار میرفت حضور جمهوری اسلامی در کنفرانس سازمان ملل با اعتراض کوبنده آزادیخواهان در ژنو روبرو شد. اعتراض مخالفین جمهوری اسلامی در ژنو روز دوشنبه ۲۰ ماه آوریل در خاطره ها ثبت شد. فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران و فدراسیون پناهندگان ایرانی با استقبال گرم مردم و برپائی میتینگ و تظاهرات و راهپیمائی باشکوه پاسخ گرفت.

در این روز فعالین حزب کمونیست کارگری، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و سازمان اکس مسلم و تعداد دیگری از مخالفین حکومت اسلامی، چهره رژیم صدهزار اعدام و رئیس جمهور مرتجع آنرا در مقابل رسانه های خبری جهان بنمایش گذاشتند. حضور احمدی نژاد در این کنفرانس

به یک رسوائی و شکست برای جمهوری اسلامی تمام شد و سخنرانی او در یکی از دانشگاههای ژنو نیز به دلیل اعتراضات وسیع ملغی شد.

پس از اینکه اعلام شد احمدی نژاد در کنفرانس شرکت میکند، فراخوان به میتینگ و دعوت به تظاهرات در چند رسانه سوئیس و فارسی زبان منعکس شد. بدنبال آن روز دوشنبه بیش از صد نفر از شهرهای مختلف سوئیس خود را به محل تظاهرات رساندند و ساعتی قبل از شروع سخنرانی احمدی نژاد تظاهرات شروع شد و طنپین فریادهای تظاهر کنندگان فضا را پوشاند. شعارهای احمدی نژاد راسیست است، اینها قاتل مردم ایران هستند، احمدی نژاد باید دستگیر و محاکمه شود از سوی تظاهر کنندگان سر داده میشد.

در ساعت یک و نیم تظاهرات کنندگان دست به راهپیمائی زدند و در مسیر شعار دادند و مجددا در مقابل ساختمان کنفرانس تجمع کردند و به سخنرانی ها گوش دادند و توجه وسیعی را به تظاهرات خود جلب کردند. از جمله سخنرانان این میتینگ اعتراضی مینا احدی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری بود. او در سخنرانی خود گفت: امروز اینجا تجمع کرده ایم که اعتراض خود به سازمان ملل و دولتهای غربی را اعلام کنیم. یکی از اهداف سازمان ملل در کنفرانس ضد نژادپرستی، سد کردن هر نوع نقد به مذاهب، بویژه اسلام و جنبش اسلامی است و این از نظر هر انسان آزادیخواهی محکوم است. حضور احمدی نژاد در این کنفرانس و سخنرانی او افتضاح سیاسی کامل برای این کنفرانس است. احمدی نژاد،

تیر خلاص زن و رئیس جمهور حکومتی است که سی سال است علیه زنان، علیه بی خدایان، علیه مردم ایران یک آپارتاید تمام عیار را به پیش می برد. جمهوری اسلامی یک حکومت فاشیستی است و باید در دنیا منزوی شود و از همه مجامع بین المللی بیرون انداخته شود. احمدی نژاد و حکومت اسلامی، نمایندگان مردم ایران نیستند، اینها قاتلین مردم هستند و باید دستگیر و محاکمه شوند. سپس استفان ماور ورف از سازمان آزاداندیشان سوئیس سخنرانی کرد و گفت: احمدی نژاد به جرم جنایت علیه بشریت باید دستگیر شود.

درمقابل محل کنفرانس شبکه های خبری متعددی از رادیوها و تلویزیونها و روزنامه ها از این تظاهرات گزارش و فیلم تهیه

سوئد گزارشی از این تجمع پخش شده است.

پلیس در یک اقدام تحریک آمیز سه نفر از تظاهر کنندگان را دستگیر کرده است که با اعتراض تظاهر کنندگان روبرو شد.

تظاهر کنندگان فریاد میزدند پلیس بجای اینکه جنایتکاران را دستگیر کند، مخالفین جمهوری اسلامی را دستگیر می کند و شعار پلیس شرمت باد سر دادند. تا این ساعت هیچ کدام از دستگیر شدگان آزاد نشدند. تظاهرات پرشور همچنان ادامه دارد و فردا نیز همزمان با حضور مزدوران جمهوری اسلامی برگزار خواهد شد.

حضور سران، عوامل و کارگزاران جمهوری اسلامی در خارج کشور باید با اعتراض گستره آزادیخواهان پاسخ گیرد. حزب کمونیست کارگری ایران مصمم است که هر جا جنایتکاران حاکم بر ایران حضور یابند عرصه را بر آنها تنگ خواهد کرد و اعلام میکنند که هر گونه تلاش برای حضور علنی سرکوبگران ایران به بهانه های مختلف را به صحنه افشاگری و رسوائی بیشتر برای آنها تبدیل خواهد کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی ایران!
تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران-
مالمو
۲۳ آوریل ۲۰۰۹

کردند و شبکه های خبری بین المللی از جمله بی بی سی و سی ان ان، اورو نیوز، کانال های تلویزیونی در کشورهای اسکاندیناوی، کانال تی اس آر ژنو و صدای آمریکا و بسیاری از رسانه های دیگر دنیا بارها تصاویری از این تظاهرات را منعکس کردند.

تظاهرات ژنو جلوه اعتراض مردم ایران علیه حکومت ننگین جمهوری اسلامی بود. این اعتراض موفقیت بزرگی برای حزب کمونیست کارگری ایران بود که همه جا در مقابل حضور سران جنایتکار حکومت اسلامی ایستاده است تا مردمی را که برای سرنگونی جمهوری اسلامی روزشماری میکنند با قاطعیت نمایندگی کند!

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران-
سوئیس
۲۱ آوریل ۲۰۰۹

پیام خلیل کیوان به فعالین و اعضا حزب در سوئیس بمناسبت برگزاری تظاهرات موفق علیه حضور احمدی نژاد در کنفرانس دوربان ۲

با درودهای صمیمانه

به همه شما بخاطر تدارک و برگزاری موفق تظاهرات روز دوشنبه ۲۰ آوریل علیه حضور احمدی نژاد در کنفرانس دوربان دو، تبریک میگویم. تدارک با برنامه تظاهرات علیرغم وقت محدود، و فعالیت پیگیر شما برای برگزاری آن، قابل تقدیر است. شما با حضورتان در مقابل محل کنفرانس و در راهپیمایی و تظاهراتی که بر پا کردید، مردم ایران را نمایندگی کردید. اعلام کردید که

احمدی نژاد قاتل و تیر خلاص زن، نماینده مردم ایران نیست. تظاهرات شما کیفرخواست مردم ایران علیه آدمکشان حاکم بر ایران بود. از این نظر کار شما برجسته بود. انعکاس گسترده اخبار مبارزه شما در رسانه های خبری جهان رسوائی بیشتر برای رژیم و یک پیروزی برای مردم ایران و حزب کمونیست کارگری ایران بود. یک جنبه مهم دیگر کار شما تاکید بر کار نقشه مند و متشکل و سازمانیافته بود. بر اهمیت و نقش

حزب در مبارزه برای آزادی تاکید شد. باید از این فرصت استفاده کنیم و سازمان حزبی محکم و گسترده و با اعضای بسیار در سوئیس ایجاد کنیم. باید مصمم برای برنامه های آتی خود را آماده کنیم. اول مه در راه است. از هم اکنون برای حضور نقشه مند، منظم و قوی در تظاهرات اول مه تدارک دیده شود. صدای کارگران و مردم ایران را در مارش اول مه هر چه رستار سازیم، و از هم اکنون برای

حضور قدرتمند علیه حضور نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در اجلاس آی ال او، آماده شویم. اجلاس آی ال او، باید به یک رسوائی بزرگ برای نمایندگان جمهوری اسلامی و کسانی که به آنها تریبون میدهند، تبدیل شود. حضور سران جمهوری اسلامی و کاربدستان آن در خارج کشور، باید با حضور قدرتمند ما پاسخ بگیرد. ما با تمام قوا هرجا جمهوری اسلامی ظاهر شود حضور خواهیم داشت و

صدای اعتراض مردم ایران را به گوش جهانیان خواهیم رساند. باید کاری کنیم که جمهوری اسلامی ایران در جهان منزوی و از مجامع بین المللی طرد گردد.

برای شما آرزوی موفقیت دارم
دبیر کمیته خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
خلیل کیوان
۲۲ آوریل ۲۰۰۹



گوشه هایی از اعتراض
در جریان کنفرانس دوربان 2



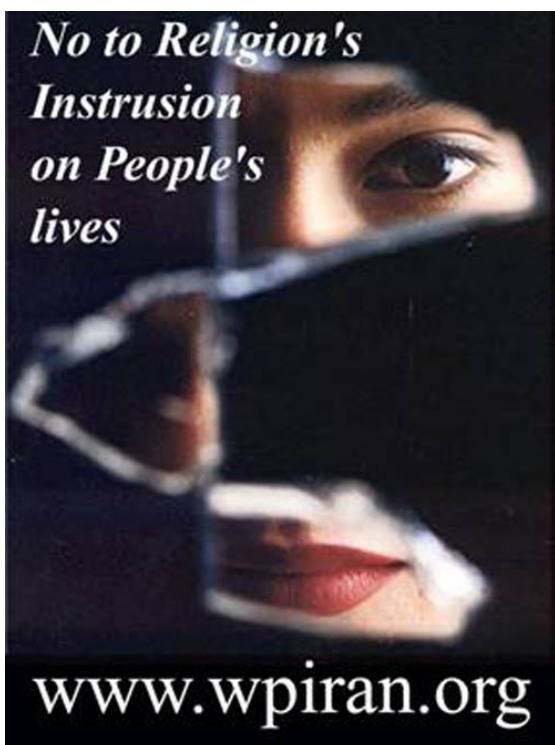
IRNA

از صفحه ۵ مغازله دو قطب ...

عمارت کثیف اسلامی اضافه کند بلکه خشتهای زیادی از این عمارت پوشالی را در هم شکست. مثل همه ابراز وجودهای قاتلین اسلامی در خارج، اینجا هم آن نیروی امید بخش رهایی مردم ایران، حزب کمونیست کارگری با حضور به موقع و سریع و قدرتمند در محل کنفرانس کاسه کوزه حکومت اسلامی را بر هم ریخت. نیروی آزادیخواهی و برابری طلبی به فراخوان حزب و بموقع در مقابل این اجلاس دو قطب تروریستی حاضر شد و کل این کلاشی سیاسی تحت نام مبارزه با تبعیض را بر هم

اسلامی تبدیل شد. حزبی که چندی پیش تحرك جنبش اسلامی در کانادا برای استقرار قانون شریعت را به زیاله دان انداخته بود، حزبی که اجازه نداده است و نخواهد داد رژیم اسلامی در هیچ کجای دنیا بساط اسلامیش را پهن کند، حزبی که همیشه کام سفرای سیاسی و "فرهنگی" حکومت اسلامی در خارج را تلخ کرده است، این بار هم اعتراض قدرتمندی در مقابل کنفرانس ژنو سازمان داد و حکومت اسلامی را مجبور کرد دست از پا درازتر به تهران برگردد.*

ریخت. کنفرانسی که قرار بود تحت پرچم دروغین علیه تبعیض نژادی و حقوق بشر و آزادی بیان محلی برای یکه تازی سازماندهندگان اصلی تبعیض و بیحقوقی باشد، کنفرانسی که قرار بود محلی برای معاملات کثیف دو قطب تروریسم جهانی علیه مردم جهان باشد، به یمن تحرك به موقع تشکیلات خارج کشور این حزب، به محل بی آبرویی و خفت و خواری هر دو طرف علی الخصوص حکومت اسلامی تبدیل شد، به محلی برای محاکمه حکومت تبعیض گر



مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

صدای مردم در کانال جدید

حکومت فساد مالی و حق مردم

برنامه ای از رضا مرادی

سلام علیکم، خواستم در رابطه با انفجاری که امروز صبح در معدن کرمان شد که دوازده کارگر فوت شدند بگم. در این کشور هیچوقت مسائل ایمنی کارگر رعایت نمیشه و فقط دزدیهای کلان صورت میگیره. کودکان خیابانی داریم و حق مردم اصلا رعایت نمیشه. حق گرفتنست و ما در روز کارگر حتما شرکت میکنیم و شما مکانش را اعلام کنید و خیابان نادری مرکز این تظاهرات است.

زنی از اهواز

سلام آقای مرادی. خواستم از برنامه تون تشکر کنم که حرفهایی که ما نمیتونیم بزنیم شما از عوض ما انجام میدید و حرف دل ما رو میزنید. بله تظاهرات ۱۱ اردیبهشت هم انشالله یادمون نمیره. دختر جوانی از ایران

سلام آقای مرادی. نمایش فیلم کارگران لوله سازی را که نشان دادید اتفاقا همان روز من اونجا بودم که کارگران لوله سازی بخاطر اینکه ده ماه حقوقشان را ندادند تظاهرات کرده بودند و خواست اصلی اونها گرفتن حقوق ده ماهه شان بود و پلیس هم محاصران کرده بود و هر کسی هم که از انتظارات میپرسید که اینها چرا جمع شدند و چی میگن، میگفتند: اینها اومدن برای رهبر دعا کنند! ما باید برای حق و حقوقمون حتما متحد بشیم و ما با دوستانی که همفکر ما هستند در روز کارگر صد در صد شرکت میکنیم. مردی از اهواز

سلام و خسته نباشید. ما تشکر کامل از شما داریم بخاطر کارهای زیادی که میکنید. میخوام بینم اون خامنه ای و رفسنجانی و احمدی نژادی که نماز میخوانند نمازشون درسته؟ این فقیر بیچاره ها رو نمیبیند که بچه ۱۳ ساله دست تو ظرف آشغال میکنه که شیشه جمع کنه بفروشه تا یه نون بخره بخوره؟ من رو بخاطر مشکل بیماریم از این

اتاق به اون اوتاق دوندند. آخه آقای احمدی نژاد که وقتی اومدم به اتاقت جوابم کردی و هولم دادی انداختی، آقای احمدی نژاد، یادت میاد که بمن گفتم شماره تلفنت را بده به این آقا و هیچ کاری برام نکردی؟ مرگ بر شما ها که فقط بفکر خودتون هستید. زندگی مردم داره توی گشنگی و بدبختی نابود میشه، مردم توی فساد غرق میشن چرا کاری نمیکنید؟ همینجا توی تهران و شهر ری ببینید چگونه بچه های خردسال دست توی آشغال میکنند تا چیزی پیدا کنند و بیوشند. آقای خامنه ای اونموقع شما کجائید؟ آقای رفسنجانی شما که همه پولها رو از کشور خارج میکنید اونموقع ما مردم چکار کنیم؟ من توی خونه های مردم کار میکردم الان سرطان سینه دارم کسی بدادم نمیره. مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر تمام مسئولین مخصوصا تمام آخوندهای شکم گنده که توی خیابون بچه های فقیر را میبینند ولی اصلا محل نمیدارند. کاش میتونستم دوربینی تهیه کنم و از این بچه های بیچاره و بیبنا عکس بگیرم آقای مرادی بفرستم براتون ببینید چه بچه هایی از ظرف آشغالها زندگی میکنند. مرگ بر خامنه ای، مرگ بر رفسنجانی، مرگ بر احمدی نژاد. مرگ بر جمهوری اسلامی. بله من در تظاهرات روز کارگر شرکت میکنم. زنی از تهران

سلام آقای مرادی. اول از همه تبریک میگم بخاطر حکم دلاری دارایی شما و به همه مردمی که زحمت کشیدند. من ۳۷ سالمه و هنوز مجردم. دو سال و نیم پیش تصمیم گرفتم که اعتیادم رو ترک کنم و از بیکاری شروع کردم به دستفروشی. مامورین شهرداری من رو گرفتند و بازداشت کردند و بردند دادسرا و اونجا به حاج آقا گفتم من دارم مادر و خواهرم رو تامین میکنم و از بیکاری اومدم دستفروشی میکنم، گفت که قبلا چکار میکردی گفتم قبلا معتاد بودم و از راه خلاف زندگی میکردم و الان ترک کردم. دور از جون شما و عذر نژادی که نماز میخوانند نمازشون درسته؟ این فقیر بیچاره ها رو نمیبیند که بچه ۱۳ ساله دست تو ظرف آشغال میکنه که شیشه جمع کنه بفروشه تا یه نون بخره بخوره؟ من رو بخاطر مشکل بیماریم از این

سلام آقای مرادی، بخدا ما دیگر بریدیم. بخدا دیگر خسته شدیم از دست این رژیم. امکانش را هم نداریم که از این مملکت خارج بشیم. من ۱۹ سالمه اما خسته و مایوسم از زندگی. نه حق بی حجابی داریم نه حق بیرون رفتن داریم، نه حق دوست داشتن داریم، آخه اینهم شد زندگی؟ برادرم بخاطر تصادف با یک فردی الان گوشه زندانه و ۴ میلیون تومان دیه میخوان تا آزادش کنند. اینها برای مردم ایران قفس ساخته اند.

سالمی داشته باشیم بعد هم برگشت قندون رو برداشت و پرت کرد صورت من و ماموری را صدا زد و گفت اینو برید بیرون، و بعدش هم چهار صد هزار تومان برایم حکم داد بعنوان اینکه سد معبر کردی! ای مردم عزیز، ما در چنین مملکتی زندگی میکنیم و بیاید اول از همه به این انتخابات رای ندید و اصلا بشنیدید توی خونه هاتون و نیاید بیرون. خدا شاهده اون زمانی که خلاف میکردم اینها من رو با نیم کیلو تریاک میگرفتند و وقتی پول میدادم فردا صبحش ولم میکردند ولی الان که با دستفروشی زندگی میکنم سه روز باید زندان بمونم و چهارصد هزار تومان هم بدم! مردی از ایران

آقای مرادی سلام به شما و درود به صدای انقلاب و صدای انسانیت و همکاران شما. همه باید روز کارگر بیایم بیرون و تظاهرات کنیم. اینها در قبال اتحاد ما کاری نمیتونن بکنند. مردی از ایران

سلام آقا رضا، درود میفرستم به روز جهانی کارگر و به تمام کارگران کره خاکی. من کارگرم و از صبح تا شب زحمت میکشم و همیشه هم شرمندم خانواده هستم چرا باید اینجور بشه؟ اینها همه شون دروغ میگن که طرفدرا مصتضع هستند. اینها چرا حق و حقوق ما رو نمیدن؟ آیا عدالت همینه؟ همه ملت اینها را دیگه میشناسند و ما اگر روز کارگر نیایم بیرون بزرگترین گناه رو کردیم. ما اگر متحد باشیم اینها هیچ چی نیستند. من روز کارگر پیشگام و در جلوی صف خواهم بود. ننگ بر این زندگی...

مردی از ایران

سلام آقای مرادی، بخدا ما دیگر بریدیم. بخدا دیگر خسته شدیم از دست این رژیم. امکانش را هم نداریم که از این مملکت خارج بشیم. من ۱۹ سالمه اما خسته و مایوسم از زندگی. نه حق بی حجابی داریم نه حق بیرون رفتن داریم، نه حق دوست داشتن داریم، آخه اینهم شد زندگی؟ برادرم بخاطر تصادف با یک فردی الان گوشه زندانه و ۴ میلیون تومان دیه میخوان تا آزادش کنند. اینها برای مردم ایران قفس ساخته اند.

وقتی میریم به دادسرا و دیدار داداشمون باید به درباناش هم رشوه بدیم. اینها برای ما همه اش زور میکند و تصمیم میگیرند و همه اش بفکر خودشوند. بخدا دیگه بریدیم. دختر ۱۹ ساله از ایران

الو سلام، خواستم در جواب اون خانمی که گفتند افغانی جنایت میکنه بگم چند سال پیش در ایران یک آقای قتل ها را انجام میداد و وزارت اطلاعات میگفت که افغانیه، اما بعدا معلوم شد که ایرانی بود. ایران بدنی اومه بود و ایران بزرگ شده بود و از اهالی مشهد هم بود. اینها اونقدر گفته بودن کار افغانیه که مردم هر جا افغانیها را میدیدند کتک میزدند. کسی که جنایتی میکنه و خلافی مرتکب میشه ربطی به ایرانی و افغانی بودنش نداره بلکه باید اینجور دید که یک انسانی اینکار را کرده. برادر خود من در شهرک صنعتی کار میکنه و میگه بهترین کارگران ما کارگران افغانیند و واقعا جنی میگم. هر جا آدمهای خوب و بد هست حالا میخواد ایرانی باشه یا افغانی باشه یا کس دیگه. در مورد یازده اردیبهشت هم قبل گفتم که حتما شرکت میکنم و حتما باید با همبستگی و اتحاد اعتراض کنیم. زنی از اهواز

سلام آقای مرادی. اینها یک فیلمی درست کرده اند که بیاید رای بیدید! میخوام بگم دیگه تا کی باید به اینها رای بدیم. من دختر ۲۲ ساله ام و خواست من حق تحصیل ولی واقعا جرات ندارم پیام اعتراض کنم چون میخوام استخدام بشم حتی بعنوان یک فروشنده. آقای مرادی این بی شرمها موقع استخدام از من پرسیدند که آیا زنی آیا بیوه هستی یا دختری؟ واقعا حیفه که ما در زیر دست چنین آدمهای میمون صفتی بمونیم و زندگی کنیم.

دختری از ایران
سلام. من میخوام بگم حکومتی که رهبرش دزده، رئیس کشورش دزده، رئیس آموزش پرورشش دزده و وزیر نفتش دزده و مال مردم رو میچاپند و همه شون دزدند هیچ موقع دوام نیاره و مطمئن باشید که بزودی حکومت کمونیستی میاد ...
یک مرد بیننده

سلام آقای مرادی. اینهایی که میان

از رژیم دفاع میکنند فقط وقت ما رو میگیرند، وقت همه ما را که همه مون کارگریم، یا کارگر امور بهداشتیم یا کارگر آموزش و پرورشیم و ساعتها پای تخته سیاه گچ میخوریم، یا کارگر کارخانه ایم و کارگر متفرق بازاریم و همه مون زحمت میکشیم چیزی هم در بساط نداریم اما این آخوندها نه زحمتی میکشند و نه پول آب و برق میدند و کل سرمایه مملکت رو هم میچاپند. ما باید همه متحد بشیم و باید این حکومت را بنادزیم و میتونیم بنادزیم و روز کارگر هم روز خوبی برای همین اتحاد است. بعنوان یک معلم بازنشسته از همه کارگران تقاضا میکنم که این روز را فراموش نکنند تا با اعتراض متحدمون به آزادی برسیم و به برابری برسیم و اینها را سرنگون کنیم.

مردی معلم بازنشسته از ایران

سلام. در رابطه با دلارا دارایی حرفم اینه که خانواده مقتول رضایت بدن و ما کلا با اعدام مخالفیم. زن جوانی از ایران

سلام آقای مرادی. من یک دختر دانشجو هستم و در جواب اون آقای که گفت دختران نباید دوست پسر داشته باشند میخوام بگم که اتفاقا ما افتخار میکنیم که با پسران و مردان آزاد اندیشی دوست بشیم و بشناسیم و همسر آنها باشیم. من و خیلی از دوستان در ۱۱ اردیبهشت شرکت میکنیم.

دختر دانشجو از ایران

سلام آقا مرادی. من مخالف اعدام هستم بویژه مخالف اعدام زنان و کودکان هستم. در روز یازده اردیبهشت هم حتما شرکت میکنم.

مردی از ایران

آقای مرادی من یک کارگرم و از صبح میرم کارخونه تا شب جون میکنم. امروز دخترم قبض آب را نشونم داده که ۸۰ هزار تومان باید بریزیم حساب. رفتم اداره آب و به رئیس گفتم آخه با ماهی سی صد تومان درآمد اونهم از صبح تا شب کار میکنم چرا برای من اینقدر هزینه آب اومه و گفتم حتما کنکور ما اشتباه نشون میده. ایشون گفتند من کاری ندارم اگر پرداخت نکنید میان آب

از صفحه ۱۲ صدای مردم در کانال جدید ...

منزلتون رو قطع میکنند. آخه این چه زندگیه، چه باید بکنیم ما؟
مرد کارگری از ایران

آقای مرادی از مشهد زنگ میزنم و خواستم عضو حزب بشم. با کدام شماره باید تماس بگیرم؟
مردی از مشهد

سلام آقای مرادی. من همین الان فیلم کنفرانس ژنو را از صدای آمریکا دیدم. چندین بار حرف احمدی نژاد را در داخل سالن قطع کردند، مردی که لباس و ماسک دلقک داشت بطرف احمدی نژاد حمله کرد و دماغ دلقکش را بطرفش پرت کرد اما متاسفانه به او نخورد و از کنارش رد شد. نمایندگان ۴۰ کشور سالن کنفرانس را ترک کردند و در بیرون سالن هم تظاهرات حزب کمونیست کارگری را نشون میداد که با پرچمهای سرخشان شعار میدادند.
مردی از اصفهان

سلام آقای مرادی. من از مریوان زنگ میزنم میخواستم عضو بشم. ما خیلی جاهای شهر را شعار نویسی کردیم و روز کارگر هم شرکت میکنیم.
مرد جوانی از مریوان

سلام بشما. من یک افغانی هستم و از برنامه های شما خواستم کمال تشکر را بکنم. من قبلا در ایران بودم و الان در دوی هستم. شما خیلی زحمت میکشید واقعا (قطع شد).

علیه تبعیض و نابرابری خطر اعدام دلارا دارابی

برنامه ای از کیوان جاوید

سلام آقای کیوان، درود بر شما. من پیشنهادی دارم که موضوع برنامه تون را قبلا اعلام کنید تا مردم با حضور ذهن بیشتری بیان نظر بدن. تبعیض یعنی نظام طبقاتی، اختلافی که بین مردم است، تبعیض یعنی اگر از خانواده شهید باشی و از خود اینها باشی راحتتر میتونی وارد دانشگاه بشی و شغل پیدا کنی و حق تقدم داشته باشی. ما خودمون تا دانشگاه نرفتیم کتابهای چپی گیرمون نیومد که بخونیم و متوجه بشیم که اصول سوسیالیسم چی هست. همه مردم

مخالفتند ولی این آگاهیهای عمیق را ندارند ولی نیاز دارند که داشته باشند بویژه علم کافی داشته باشند که چه جوری این رژیم را سرنگون کنند. بنظم خوبه که برنامه هایی داشته باشید و مردم را روشنتر کنید که مبارزه طبقاتی یعنی چه و کی شروع شد، دولت چیست و طبقه بورژوا و طبقه خرده بورژوا یعنی چه و چرا دولت نماینده یک اقلیت مفتخوری است. تاریخ خطور از کمون اولیه اومد به برده داری و بعدش هم فتودالی و سرمایه داری، و اونوقت مردم بهتر میفهمند که چرا سوسیالیسم یعنی آزادی و برابری و حکومت انسانی. حتما شما بهتر از من میدونین که وقتی آقای کریمی حرف میزنند بزبون ساده مسائل پیچیده را طوری توضیح میدن که هضمش برای مردم راحتتر میشه. در مورد روز کارگر بگم که در محیط کوچکی از استان فارس و با دانشجو سروکار دارم و حتما در روز کارگر شرکت میکنم و با دوستانم هم مطرح میکنم.

فراخوانم به مردم اینه که کسانی که میخوان این رژیم نابرابر اسلامی را سرنگون کنند و کسانی که هوادار حزبنده حتما در خونه قلکی بذارند و هر ماه باندازه توانشون بریزند توش مثلا هر روز هزار تومان بریزند میشه سی هزار تومان، و این کانال که هزاران بیننده داره، اگر ده هزار نفر ماهی سی هزار تومان کمک کنه میشه سیصد میلیون تومان تا این صدای اعتراض ما مدام باشه و بگوش همه برسه، که بتونیم رادیو هم داشته باشیم و همه جا گوش کنیم و شتاب بیشتری بدیم به مبارزاتمون. یکی هم اینکه حزب کمونیست صدها کار داره و شاید فردا لازم باشه برای خانواده کارگرانی که دستگیر میشن کمک کنه، و یا بعد از چند اعتصاب نیاز به حمله مسلحانه خواهیم داشت و باید حزب قوی داشته باشیم. خلاصه مردم باید بدونند که خیلی کار داریم و این حزب ماست و کانال ماست.
مردی از استان شیراز

سلام آقا کیوان. این رژیم از گور برخواسته روز بروز مردم را فقیر تر میکنه و دانشجویان را سرکوب میکنه و کارگران معترض را شلاق میزنه و زندان میکنه و زندانهای ما

پر شده از مردم آزادی طلب که در زیر چکمه های این فاشیستها شکنجه و سرکوب میشن. امیدواریم که بزودی زیر چتر این حزب خودمون حزب کمونیست کارگری این فاشیستها رو بزیر بکشیم و برای همه مردم یک زندگی انسانی و آزاد دور از تبعیض و اعتیاد و فحشا برقرار کنیم. پیام من به مردم عزیزمون اینه که با همبستگی سراسریمون در روز کارگر تن این رژیم رو بلرزونیم. در مورد کمک مالی ضمن اینکه توان ما محدود است ولی داریم تمام تلاشمون رو میکنیم و امیدوارم شما را بزودی در ایران ببینیم.
مردی از گیلان

با سلام. الان خانمی گفتند که دو روز دیگه دلارا اعدام میشه. من خواهشی دارم که بیکروز قبل از اجرای این حکم برنامه ای اختصاص بدید که ما بتونیم بهتر صحبت کنیم تا این حکم را کلا لغو کنیم.
مردی از ایران

سلام خسته نباشید. من فکر میکنم تمام ایرانیانی که از ایران خارج شدند یا فراری شدن این حق رو دارند که به کشورشون برگردن و با آرامش زندگی کنند. من از همه میخوام که در روز جهانی کارگر شرکت کنیم و هرکس درد و خواسته خودش را مطرح کنه بامید اینکه از این نظام کثیف خلاص بشیم.
یک مرد بیننده

سلام آقای جاوید. خانمی الان زنگ زد که از طرفداران جمهوری اسلامی بود و توهین میکرد طبعاً در جای گرمی نشست و زن یکی از این حکومتیان است و نمیدونه گرفتاری یعنی چه. من جوان ۲۸ ساله ام و کاری که نمیتونم داشته باشم هیچ حتی اصلا نمیتونم لقمه نانی داشته باشم تا چه رسد که ازدواج کنم حالا این خانم میاد میگه زر زنی و فلان نکنید جامعه خوبی داریم! آقای جاوید دیگه صبرمان سراومده و امیدمون بشماست که یک قدم محکمی بردارید و ما هم همیشه پشتیبان بودیم و هستیم و خواهیم بود، شما قدم بزرگی بردارید ما جوانان هم تلاش میکنیم تا از این وضع خلاص بشیم. اون خانمی که میگفت اینها دروغ میگن شرکت میکنیم ولی شرکت نمیکند، میخوام بگم که ما مطمئنم در روز

کارگر شرکت میکنیم و شما مزدوران هم میبینید. آخه ما چه خبری از این رژیم دیدیم بخدا قسم ۵ میلیون وام دادند اگر بیکروز دیر بدی دیگه تموم شد و باید ضامن رو بگیرن و بری پاسگاه و دادگاه و هزار مشکلات درست میکنند. خب این چه جمهوری اسلامیه؟ ما یک خانواده فقیریم سه خواهر و سه برادریم و ۴ نفرمون لیسانس گرفتیم ولی همه بیکاریم و مطمئنیم که کاری هم گیر نمیاریم. من اگر با این لیسانسم بیکروز کارگری نکنم از گرسنگی میمیرم. ما اینجا شام شب نداریم بخدا سر شام میگیریم تا تخم مرغ چی درست کنیم! چقدر تخم مرغ بخوریم! خیلی متشکریم.
جوانی از ایران

سلام آقا کیوان. پسر من نه سال توی زندان بود بعدش هم پدر شاکتی رضایت داد ولی مادرش نداد و پسر من را دو ماه پیش اعدام کردند. یکی از فامیلاشون که آخوند بود سه بار اومد با لگد زد که چارپایه بره موفق نشد و دفعه چهارم اعدام شد. این چه قانونیه که پدرش رضایت میده مارش نمیده و اعدام میکنند؟! درد من اینه که این چه قانونیه آخه (قطع شد).
مادری از مازندران

الو آقای جاوید سلام. مامانم از مازندران برای شما زنگ زدند و در مورد اعدام برادرم گفتند. خواستم بگم این چه قانونیه؟ داداش من ندانسته مرتکب جنایت شده بود ولی اون آخوندی که از خانواده مقتول بود کاملاً آگاهانه سه بار با پاش صندلی اعدام را زد و بار چهارم صندلی را انداخت و داداشم اعدام شد؟ خب اینها که آگاهانه این قتل را انجام دادند کی باید جوابشون را بده؟ اینها بیشتر قاتل بودند که! داداشم یک دختر ۹ ساله داشت و لذتی که در عفو بود در اعدام نبود ولی اون بیچه چی کشید زمانی که تمام این صحنه ها را دید و چه گناهی داشت؟ مشکل ما این بود که کارگر بودیم و امکان پرداخت دیه نداشتیم و اینها ما رو بازی دادند و در ۸ سال میگذشتند ما دیه میخواستیم و کلیه میخواستیم و خواهر و برادران حاضر بودیم کلیه بدیم حتی در درون زندان سی نفر داوطلب شدند که کلیه بدن تا برادرم را اعدام نکنند و بعدش هم تمام دار و ندارمون را فروختیم که پولی که میخواستند بدیم برگشتند

گفتند که ما پول نمیخواهیم و ما شما رو بازی گرفتیم. در تمام این ۸ سال زنگ میزدند و با زخم زبونهاشون خیلی تاثیر بدی روی ما گذاشتند. اگر قرار بود انتقام بگیرند چرا در همون سال اول نرفتند و ۸ سال حال و روح ما رو خراب کردند. من به خانواده مقتول میگم که بهتره بگذرید.
زنی از مازندران.

سلام. من زن جوانی هستم و شب در خونه تنها بودم و این برنامه را میدیدم. پسر چهار ساله من را در تصادف موتور زیر گرفتند و مرد و قاتلش را هم پیدا کردند ولی ما بخشیدیم. میخوام به خانواده مقتول بگم که لطفا دلارا را بخشید و بخشیدن یک لذت خاصی داره. برای مادر خیلی سخته که بچه اش له و لورده شده ولی چون نمیخواستیم اون غمی که خودم دیدم یک مادر دیگری ببینه بخشیدیم.
مادری از ایران

سلام آقا کیوان. منم یک فردی ام که مثل خانواده مقتول خانم دارابها بودم و من نیکشیدم و قاتل را اعدام کردند اما الان شدیداً ناراحتم. از خانواده شما هم میخوام که دلارا را ببخشید تا اعدام نشه.
مردی از ایران

سلام آقای جاوید. من از ایران زنگ میزنم. طرفداران کانال جدید با همین برنامه های خوبی که میذارید خیلی زیاد شده اند و من از همه مردم میخوام که به این کانال کمک مالی کنند تا این صدای ما دوام داشته باشه و ما را از مسائل جامعه باخبر کنه و آگاه کنه و متحدانه از این وضع خلاص بشیم.
مردی از ایران*

این مطلب را ناصر احمدی
پیاده و تایپ کرده است.

به خاطر حجم بالای
برنامه های زنده کانال
جدید، فقط خلاصه ای
از تعدادی از برنامه های
زنده در انترناسیونال
منعکس شده است.
انترناسیونال

در حاشیه رویدادها



فرشاد حسینی

تفویض مدارس دخترانه به حوزه هم از دست جنبش ضد اسلامی نجاتان نخواهد داد!

اخیرا وزارت آموزش و پرورش تفاهم نامه ای با مدیر حوزه علمیه قم امضا کرده که براساس این تفاهم نامه وزارت آموزش و پرورش ۴۲۰۰ مدرسه دخترانه را به حوزه علمیه قم تقدیم میکند. طرح بستن مدارس و تبدیل آن به حجره های آخوندسازی از مهر ماه امسال قرار است اجرا شود. به این ترتیب اگر هر مدرسه را با ظرفیت حداقل ۲۰۰ نفر در نظر بگیریم عملا جمهوری اسلامی درب مدارس را به روی ۸۴۰ هزار دانش آموز دختر میبندد. قریب یک میلیون کودک باید از تحصیل و سواد آموزی محروم شوند تا به خیال باطلشان دستگاه تولید جهل و خرافه حکومت اسلامی بتواند بیشتر کار کند. اینکه وزارت آموزش و پرورش اینگونه به حق تحصیل کودکان آموزش میبرد دلایل مهمی دارد.

۱- احمدی نژاد از بدو انتخابات با هدف یک کاسه کردن حکومت و

سرکوب بیشتر و ایجاد فضای ارباب در جامعه و تشییع پایه های حکومت سر بلند کرد. در هیچ کدام از این اهداف خود موفق نبود. احمدی نژاد مثل سایر سران حکومت، مدیون آیت الله ها و طلاب و دستگاه خرافه سازی بوده و هست و مثل همه سران حکومت از پیشروی جنبش ضد مذهبی و ضد اسلامی و ضد حکومت اسلامی میترسد و باید تاجایی که میتواند زیر بال دستگاه تبلیغات مذهبی را بگیرد که به خیال خامشان اسلامیت حکومت را در پایین محکم کنند. به این نمونه ها توجه کنید:

کمک های مالی دولت به نهادهای مذهبی در سال ۸۶ به بالاترین سطح در طول سال های اخیر رسیده است. این بودجه که خرج هیئت های مذهبی و مخارج تبلیغی آن ها، ساختمان مساجد، مدارس علمیه، گسترش " برنامه های فرهنگی مساجد"،

آموزش روحانیون و مبلغان دینی می شود، در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد افزایشی ۶۰ درصدی داشته است. بودجه کانون های مساجد از دو میلیارد تومان، امسال به ۱۷ میلیارد تومان رسیده است. بودجه «حمایت از آموزش های دینی، فرهنگی و هنری» از دو میلیارد تومان در سال گذشته به ۵،۶۲ میلیارد تومان افزایش یافته است.

"خبرگزاری فارس" همچنین فاش میسازد که «برنامه شناسایی، جذب، آموزش و اعزام روحانیون و مبلغان دینی» در سال گذشته و امسال ۱۱ میلیارد تومان هزینه برداشته است. صفار هندی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جمع "اصحاب قرآنی و مسئولان کانون های فرهنگی - هنری مساجد" به بیش از ده میلیارد تومان هزینه برای تقویت مساجد اشاره کرده و گفته است که بودجه قرآنی وزارت ارشاد از هفت میلیارد ریال در ابتدای روی کار آمدن دولت نهم به ۱۵۰ میلیارد ریال افزایش پیدا کرده است.

قریب به یک میلیون دانش آموز در ایران باید قربانی چنین دزدیها و بریز و پاش ها به پای آیت الله ها شوند. حقوق معلمان را پایین نگه میدارند اعتراضات به حق آنها را با سرکوب جواب میدهند. درب مدارس را به روی دانش آموزان میبندند تا یک مشت اقلیت زالو از خون مردم تغذیه کنند. این تنها دزدی حکومتی نیست. این یک جنایت است. کودکانی که از تحصیل محروم میشوند و راهی کارهای شاق میشوند کودکانی که در اثر محرومیت از تحصیل بزه کار میشوند و در نهایت سر از زندان و چوبه دار در می آورند همه تبعات جنایی این سیاست است. در مقابل این جنایت حکومت باید محکم ایستاد.

۲- یک نکته دیگر هم اینجا قابل توجه است. در سال گذشته وزارت آموزش و پرورش تنها ظرف مدت ۷ ماه ۶ هزار میلیارد تومان (معادل ۶ میلیارد دلار) کسری بودجه اعلام کرد. این میزان کسری بودجه و پولهای سرشاری که ظرف ۷ ماه از محل تامین امکانات آموزشی مردم به جیب

آیت الله ها و ایت الله زاده ها ریخته شده، بخشی از جناحهای رژیم را که از این سفره نعمت بی نصیب ماندند به اعتراض کشاند. وزارت آموزش در مجلس اسلامی زیر انتقاد قرار گرفت و بحث استیضاح دومین وزیر آموزش و پرورش مطرح شد. هنوز این پرونده دزدی و کلاشی کلان سران جمهوری اسلامی باز نشده فوری مسئله فیصله یافته تلقی شده و کل پرونده بسته شد. اکنون در پس اهدای ۴۲۰۰ مدرسه به حوزه علمیه بیشتر روشن میشود که وزارت آموزش و پرورش چگونه قائله نزاع رقبا و جناحهای دیگر را خوابانده است.

احکام اعدام برای متهمین سایت های ضد دین

معاون دادستانی تهران و مسئول رسیدگی به جرائم رایانه ای و فناوری اطلاعات (واحدی که جدیداً به قصد مقابله با جنبش عظیم ضد مذهبی توسط جمهوری اسلامی ایجاد شده است) اخیراً برای ۲۶ تن از متهمین سایتهای ضد دینی حکم اعدام صادر کرده است. وی اعلام کرده که اتهام این افراد زیر سوال بردن عقاید دینی و توهین به مقدسات دینی و تخریب جایگاه و وجهه دسته جات سینه زنی میباشد. یورش سازمان یافته به سایتهای ضد دینی توسط سپاه پاسداران آغاز شد. سپاه پاسداران در بیانیه ای دلایل یورش خود به این سایت ها را فعالیت ضد دینی و ضد امنیت و فرهنگ و عفت عمومی این سایتهای ذکر کرده بود. به دست و پا افتادن دار و دسته های جنایتکار سپاه و دادستانی و به پا کردن چوبه های دار برای برخی از دست اندرکاران سایت های ضد دینی پاسخ مستاصلانه و زبونانه ای است که رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی به جنبش عظیم ضد

مذهبی در ایران میدهد. به اعتراف خود این مقامات، سایت های ضد دینی میلیونها بازدید کننده از ایران دارد. جمهوری اسلامی علیرغم هزینه میلیاردیها دلار برای حفظ ارزش های اسلامی در جامعه میبندد که نه تنها تبلیغات مذهبی در بین مردم و به ویژه جوانان کوچکترین اثری نداشته بلکه با واکنش متقابل مردم و گرایش آنان به ارزش ها و باورهای غیر دینی و ضد دینی مواجه شده است. جمهوری اسلامی به زبان ساده به وجود و رشد روزافزون یک جنبش عظیم ضد مذهبی در ایران تحت حاکمیت حکومت خدا و قرآن اعتراف میکند. یورش به برخی از سایتهای ضد دین و صدور حکم اعدام برای آنان عملاً شمشیری است که جمهوری اسلامی برای کل این جنبش کشیده است. اما این سیل عظیم و خروشان جنبش ضد دینی در ایران در اوج اختناق و استبداد قرون وسطایی جمهوری اسلامی نضج یافته است. اگر قرار بود اعدام عریده کشی های سپاه پاسداران و شوهای تلویزیونی کوچکترین تاثیری داشته باشد امروز بعد از ۳۰ سال شدیدترین فشارها برای جلوگیری از شیوع فرهنگ و باورهای ضد مذهبی، جمهوری اسلامی با چنین معضلی روبرو نبود و اکنون در مقابل سیل میلیونی مردمی که ارزشهای اسلامی برایشان جوك شده قرار نمیگرفت. جمهوری اسلامی با تمام جنایات و وحشیگریهای خود به کانون تولید رویگردانی و نفرت از مذهب و ارزش های مذهبی بدل شده است. هر چه بیشتر قساوت به خرج دهد، هر چه بیشتر به سرکوب و زندان و اعدام متوسل میشود جنبش ضد مذهبی ضد مذهب تر، ضد حکومت تر و سیاسی تر میشود. توسل به اعدام متهمین سایتهای ضد دینی نه تنها از میزان و رشد جنبش سکولار و ضد دینی در ایران نمیکاهد بلکه نفرت از این رژیم و عطش برای زیرو رو کردن هر چه زودتر این رژیم خون آشام را گسترش میدهد.*

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید

سایت حزب: www.wpiran.org
سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

مسئول صفحه بندی انترناسیونال: آر ش ناصری